

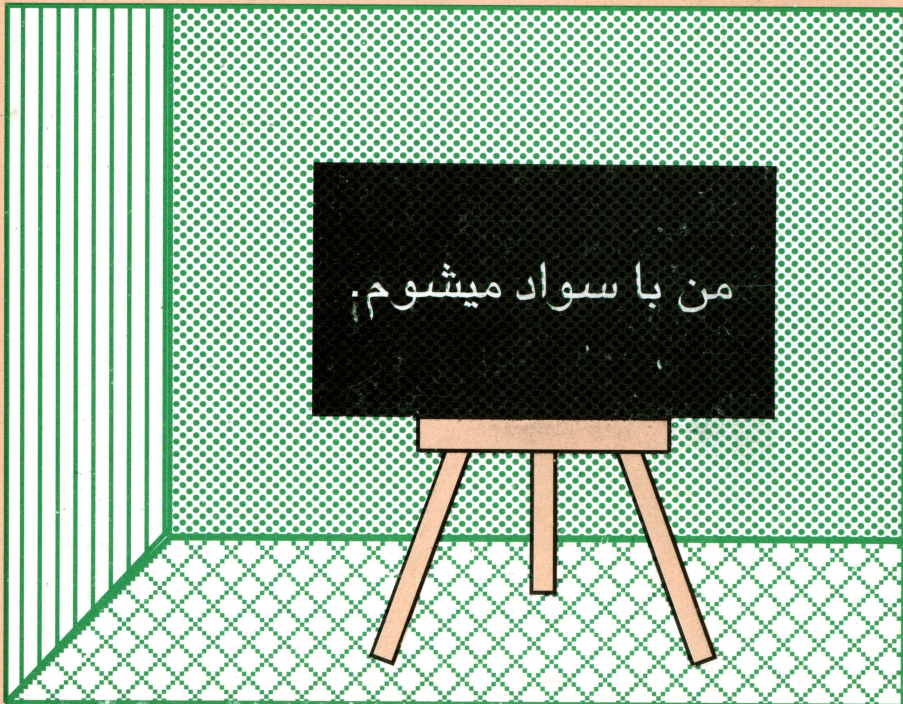


دری



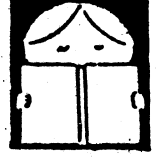
۱

سواد آموزی کلانسالان



بِیْفیر

تعلیمات اساسی برای مهاجران افغان



دری ۱

سواد آموزی کلانسالان

مؤلف : امان الله آذر

بیفیر

تعلیمات اساسی برای مهاجران افغان

LITERACY PROGRAMME

Level: First

Title: Dari-1

Author: Assistant Prof. Amanullah Azar

Editorial Board:

Prof. Dr. Mohammad Rahim Elham

Assistant Prof. Mohammad Nasim Qasimi

Calligrapher: Mohammad Sediq Banoori

Illustrator: Rajab Ali Hunarkwah

Publisher: GTZ-BEFARo

Production & Publication Section

5th Edition: March 2000 Peshawar

No of copies 2000

6th Edition: February 2001 Peshawar

No of copies 2000

پروگرام سواد آموزی

سویہ: یکم

نام کتاب: دری - ۱

مؤلف: پوهنیاړ امان الله آذر

میت تحریر:

پوهاند داکتر محمد رحیم الهام

پوهنیاړ محمد نسیم قسیم

خطاط: محمد صدیق بنوری

رسم: رجبعلی هنرخواه

ناشر: جی تی زید - بیفیر

بخش تالیف و نشرات

پنجم چاپ قوس ۱۳۷۸ء پشاور

تیراژ: ۲۰۰۰

شپږم چاپ دلو ۱۳۷۸ء پشاور

تیراژ: ۲۰۰۰

طبع و نشر این کتاب بدون کسب اجازه کتبی
از مؤسسه جی تی زید - بیفیر مجاز نیست

یادآوری

موسسه جی تی زید - بیفر^۱ آرزو دارد که کورسهای سوادآموزی را برای افغانها در زبان دوی نیز
فایز نماید. بنابراین، تصمیم گرفت تا در این زمینه کتاب درسی تهیه کند.
نگارنده که از طرف بخش تألیف و نشرات این موسسه به انجام دادن این کار موظف گردیده؛ در
قدم اول تعدادی از کتابهای درسی سوادآموزی سابقه را - تا جایی که میسر بود - مورد مطالعه و بررسی قرار
داد. در نتیجه این مطالعه، از آنچه به درد کار ما میخورد مستقیم یا غیرمستقیم استفاده به عمل آمد.
سرانجام کتاب در سه قسمت با خصوصیات ذیل آماده گردید:

الف : دوره آماده گی

ب : دوره الفبا

ج : دوره بعد از الفبا

در دوره آماده گی، که دو روز را در بر میگیرد، تدریس الفبا و شناخت حرفها مطرح نیست و
سوادآموزان تنها با رسمها و تشخیص صفاتها و تقسیم کلمه به هجاها سر و کار دارند. این رسمها سوادآموزان
را به فکر کردن منظم، دیدن منظم، شنیدن صحیح و سخن گفتن منظم کمک میکنند. این مرحله، علاوه از
آن که سوادآموزان را با کتاب و محیط درس آشنا میسازد، آموزگار را در شناخت سوادآموزان هم کمک میکند.
دوره الفبا که تا صفحه ۶۱ ادامه پیدا میکند، شامل تدریس کلیه حرفهای الفبا، الوگرافها^۲ و
هوموگرافهای^۳ بعضی آنهاست. روی هم رفته نحوه کار، مشخصات و معیارات دوره الفبا از این قرار است:
- تدریس تمام درسها، به شمردن دوره بعد از الفبا، مبتنی برحاصل چندین هجایی حرفها از یک طرف،
و حاصل الوگرافیک و هوموگرافیک بعضی از حرفها مانند "ی"، "و"، "ا" و "ه" از جانب دیگر، نیز هست.
- اسلک کار تدریس از آسان به مشکل است.

- در حالی که متن تمام درسها (به استثنای یکی دو تا) از یک طرف متضمن معرفی یکی از
حرفهای الفباست، از جانب دیگر، متکی بر کلمه هایست که با تکراریند و با حرفهای آنها قبلاً خوانده شده اند.
- برای تدریس هر حرف درس علیحده ساخته شده است. حرفهایی که الوگراف یا هوموگراف داشته
اند، برای آنها نیز درس علیحده ساخته شده است. به طور مثال تلفظهای مختلف "و" یا تلفظ شکلهای
مختلف "ی" یا "ا" و "ه" را در یک درس نیابوریم؛ کلمه های ودان، کور، بوت، عود و خواهر با
سیر، سیز، بوغ و پای با انار، اشتوب و استاد با چاه و رنده از همین قبیل اند.
- مطابق قاعده بی که در این کتاب وضع شده، حرف نو در شروع کلمه کلیدی معرفی شده است؛
اما برای بعضی حرفها که کلمه متداول و مناسب یافت نشده، ناچار آن حرف در وسط یا آخر کلمه معرفی
شده است؛ مانند حرف "ث" در کلمه جرثقیل، های مفلوظ "ه" در کلمه چاه و های غیر مفلوظ "ه"
در کلمه رنده.

- کلمه بی که حرف نو در آن هست و بالای تصویر در کنار صفحه به رنگ سرخ نوشته شده به
نام "کلمه کلیدی" یاد میشود.

^۱ - اداره کمکهای تکنیکی آلمان - تعلیمات اساسی برای مهاجران افغان

^۲ - الوگراف : اشکال متبادل حرفها مانند : ع ج ع ع

^۳ - هوموگراف یا حرفهای متشابه : هر یک چندین صدا را افاده میکنند مانند : و ، ه ، ی

- حرف نو یا مورد نظر در کنار کلمه کلیدی (بالای تصویر) به رنگ سرخ نوشته شده است.

- کلمه های نو یا مشتق به رنگ سیاه در داخل چوکات سرخ نوشته شده اند .

- در دوره الفبا حداکثر کلمه های نو در هر درس از هفت بیشتر نیست .

- تعداد کلمه های نو در دوره بعد از الفبا به تدریج زیاد شده اند .

- با نظر داشت محصلت هجایی الفبای دری ، گوشش شده است که حرکات مختلف حرف نو در يك درس نباید . در این امر تکیه بیشتر ، بر حرکتیست که حرف نو در کلمه کلیدی دارد . از این لحاظ مینمود کار ما مبتنی بر اصول زبانشناسیست .

- در هر درس گوشش شده است که حرف نو در موقعیتهای مختلف آغاز ، میانه و انجام کلمه ها معرفی شود . جایی که چنین کاری ممکن نبوده ، حرف مورد نظر در درسهای مابعد در موقعیتهای مختلف معرفی شده است .

- کلمه های مشتق یا نو در هر درس از حرفهای همجنس و یا ساکن کلمه های تکراری ساخته شده اند . در بعضی جاها که چنین امکانی وجود نداشته ، کلمه نو ، از حرف الفدالر که با حذف " ا " ساکن اتگاشته شده ، مشتق شده است .

- این کتاب با استفاده از رهنمای آموزگار تدریس میشود که در مجلد جدا تدوین شده است . دوره بعد از الفبا از صفحه ۶۳ آغاز میشود . هدف از این دوره تکرار و تقویت شناخت الفبا ، روانی خوانش و در ضمن آن دادن پیامهای ضروری در زمینه های دینی ، اجتماعی ، اقتصادی و آموزشیست ؛ اگرچه این پیامها در دوره الفبا نیز در حدود امکان منعکس شده اند .

طرز ساختن کلمه های نو در این دوره مبتنی بر روش دوره الفبا نیست ؛ بل که بدون اشتقاق از کلمه ها با حرفهای دیگر ، مستقیماً معرفی و به هجاها تقسیم شده اند .

برای آن که سوادآموزان قرآن کریم را هم خواننده بتوانند ؛ در اخیر دوره بعد از الفبا سه صفحه بدین منظور در نظر گرفته شده است . در این بخش اعراب و رسم الخط قرآن کریم به اختصار معرفی شده است که سوادآموزان را به صورت مقدماتی به قرائت قرآن کریم تا حدی آشنا میسازد .

این کتاب با کتاب دیگر ، که " خوانش " نام دارد و بعد از ختم مضمون حساب تدریس میگردد ، تکمیل میشود . درحقیقت سوادآموز آنچه را که در کتاب الفبا فرا میگیرد در کتاب خوانش تکرار و تکمیل میکند . اگر این کتاب ، آن سان که شایسته است تدریس شود ، در ختم آن سوادآموز خواهد توانست نام خود و همصنفان خود را بپوشد ، جمله های ساده بنویسد ، عنوانهای کلان و کوچک روزنامه ها و متنهای ساده را بخواند . شایسته یادآوریمت که نگارنده در تألیف این کتاب از رهنمایهای عالمانه جناب پوهاند دکتور محمد رحیم الهام ، آمر شعبه تألیف و نشرات این مؤسسه ، همواره مستفید بوده است . ایشان تمام اوراق پیشنهادی کتاب را با دقت مطالعه و تصحیح کرده اند که بدین وسیله از آن استاد گرامی تشکر میشود . نیز زحمات جناب محمد نسیم قسیمی که کتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه و اصلاح کرده و مشوره های مفید داده است ، قابل تمجید و ستایش است . همچنان مشوره های سودمند آقایان میرعبدالملك هاشمی ، کواردیناتور بخش سوادآموزی این مؤسسه و شاه آقا مجددی عضو این بخش نیز در تدوین این کتاب ممد و مؤثر واقع شده است . که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری میشود .

در اخیر باید گفت با همه سعی و تلاشی که در تهیه و تألیف این کتاب صورت گرفته ، باز هم ممکن است که کمبودها یا کاستیهای در آن راه یافته باشد ؛ بنابراین ، نگارنده از آموزگاران گرامی و صاحب نظرانی که کتاب را ملاحظه و مطالعه میکنند ، متمنیست که نارساییها و کاستیها را با نظریات و پیشنهادهای اصلاحی خویش کتباً به اداره پیگیر باز گویند تا در چاپهای آینده در نظر گرفته شود .

پوهنارسان الله آذر



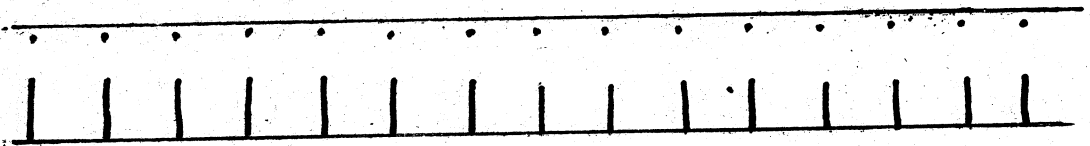
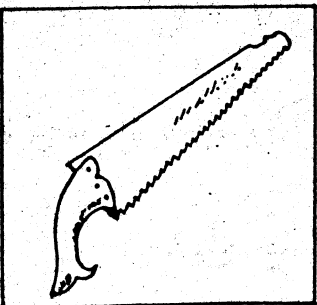
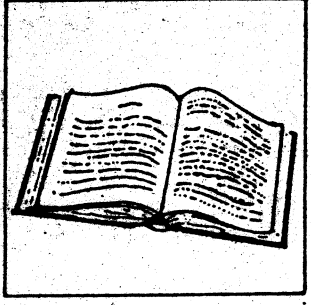
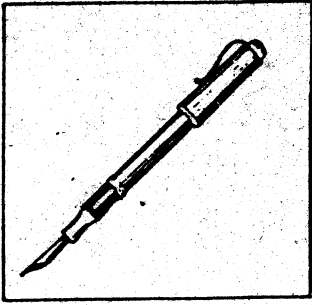
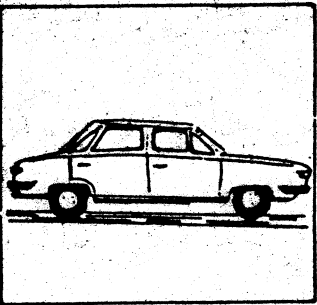
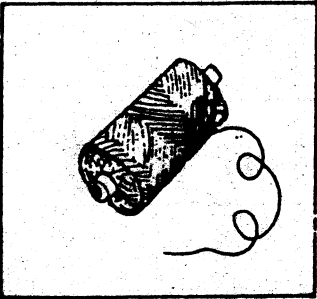
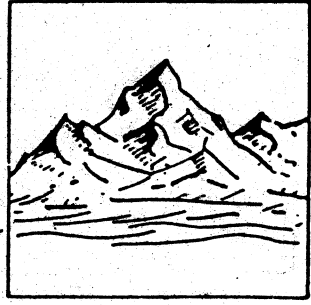
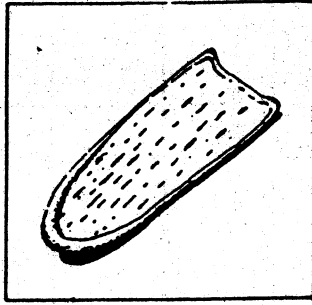
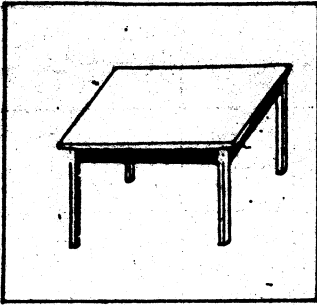
BEFARe

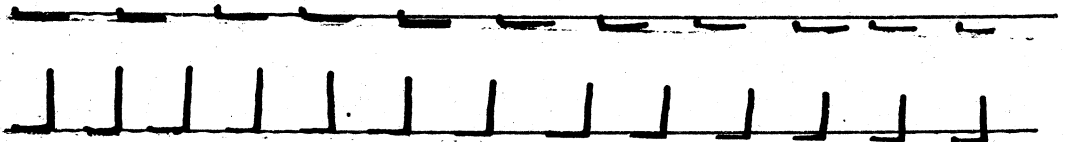
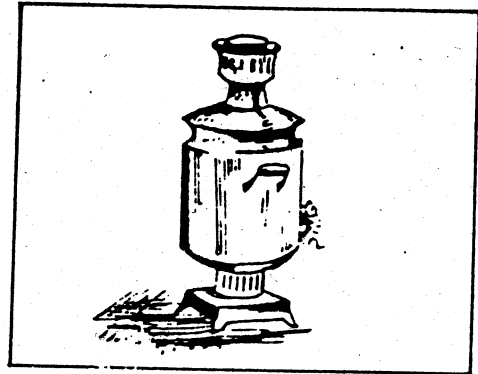
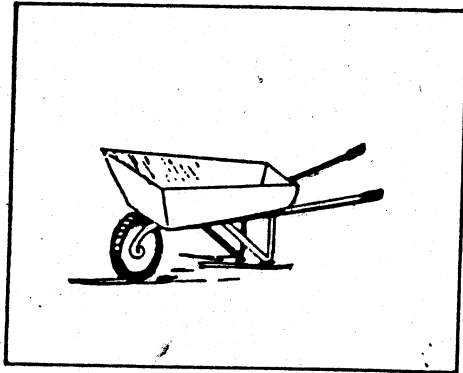
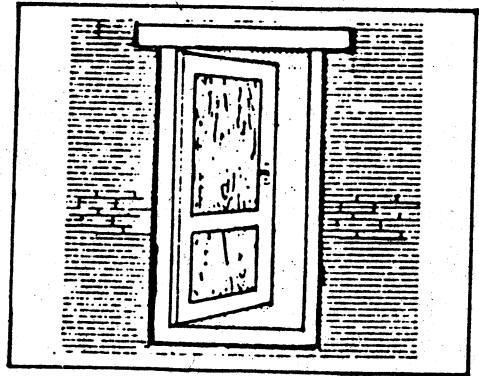
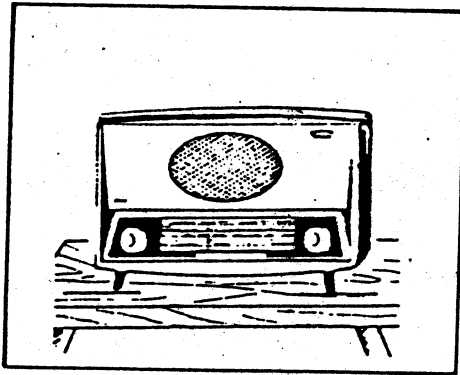
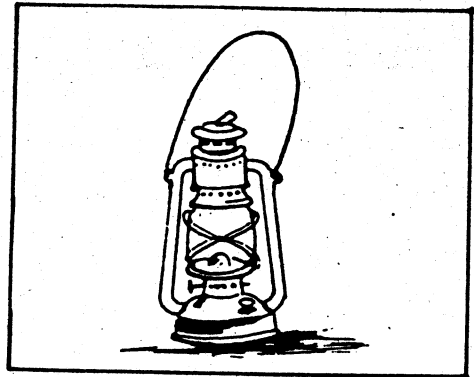
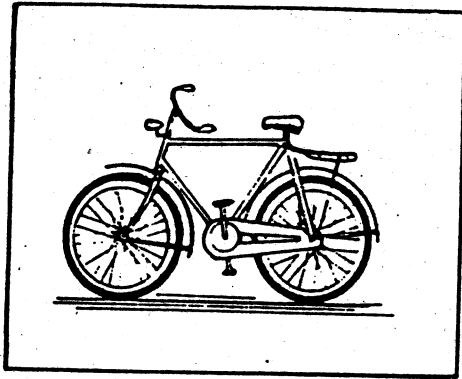
“Basic Education for Afghan Refugees”
UNIV. P. O. Box # 1481, 8 Tatar Road,
Rahat – Abad, Peshawar-Pakistan.
Telephone: 840631

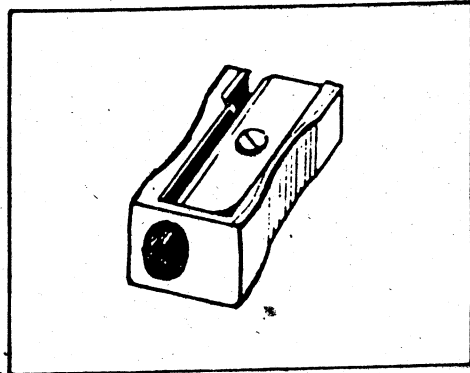
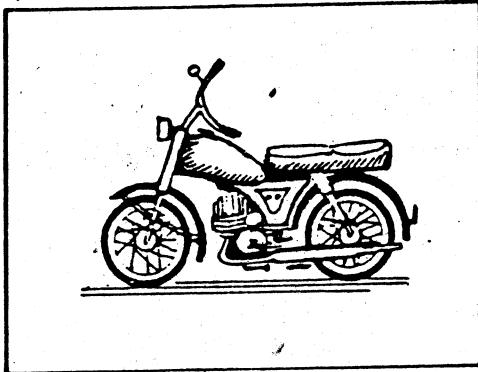
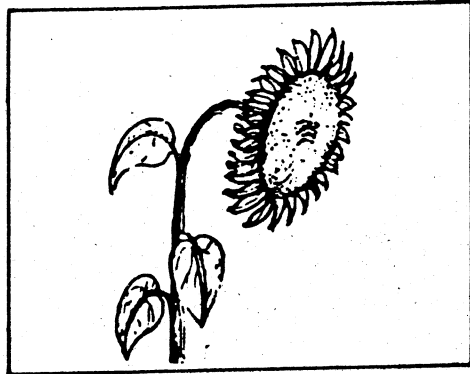
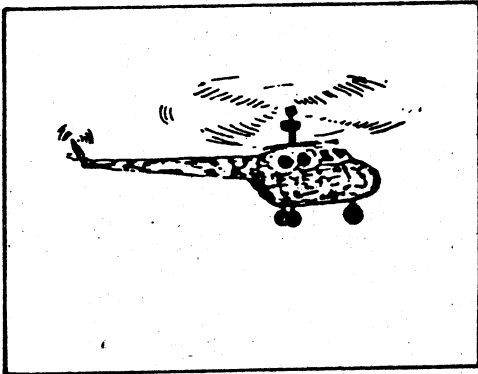
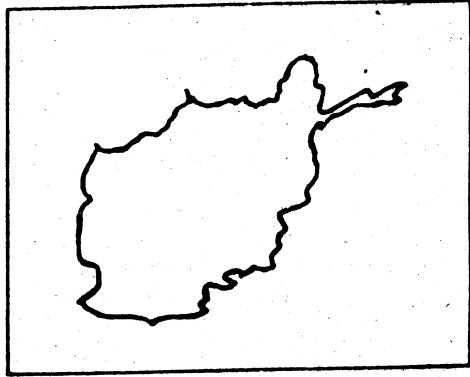
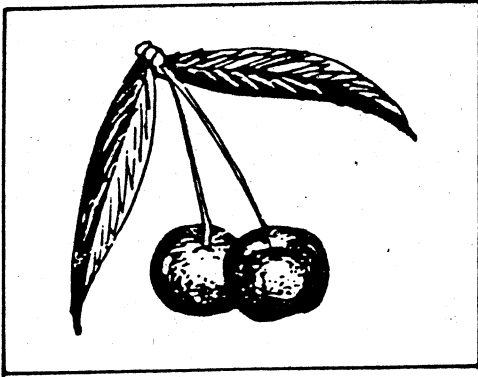
No part of this publication
may be produced in any
form or by any mean without
the prior written permission
of GTZ - BEFARe

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الله جل جلاله یگانه است .







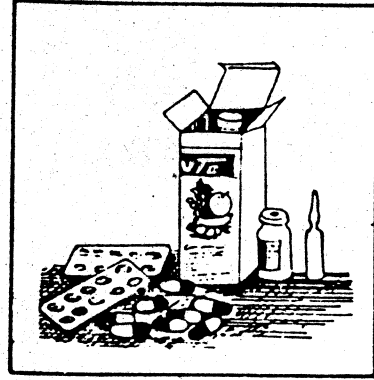
←←←←←←←←←← →→→→→→→→→→

~~~~~

دوا د

|   |   |   |     |
|---|---|---|-----|
| ا | و | د | دوا |
|---|---|---|-----|

|     |     |
|-----|-----|
| دوا | دوا |
|-----|-----|



|     |     |
|-----|-----|
| دوا | دوا |
|-----|-----|

دوا.

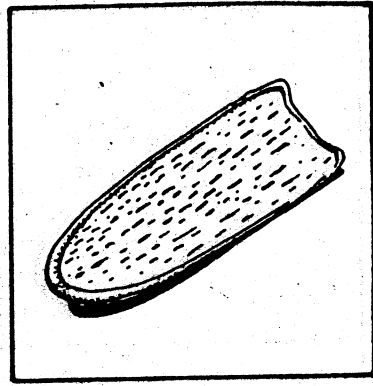
دوا داد .

دادا دوا داد .

|     |      |     |     |
|-----|------|-----|-----|
| داد | دادا | دوا | نان |
| و   | د    | ا   |     |



ن نان

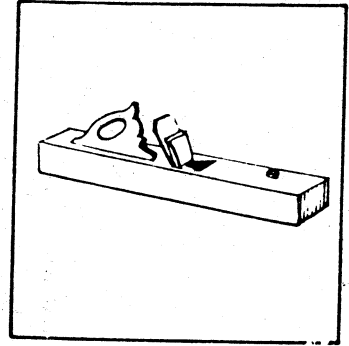


|     |      |
|-----|------|
| نان | ن ان |
|-----|------|

- دادا نان داد
- دادا نان نداد
- نانوا نان داد
- نانوا نان نداد
- دادا دوا داد

# رنده ر

|      |     |      |     |     |       |
|------|-----|------|-----|-----|-------|
| رنده | دوا | دادا | داد | نان | نانوا |
| د    | ن   | د    | ه   | دا  | ا     |



دادا رنده را

|      |      |
|------|------|
| رنده | رنده |
|------|------|

دادا رنده داد .

دادا رنده را نداد .

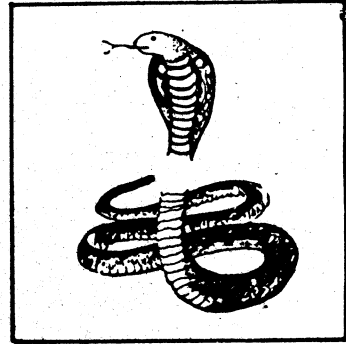
رنده را دادا داد .

دادا رنده دارد .

دادا رنده ندارد .

مار م

|     |     |      |     |      |      |
|-----|-----|------|-----|------|------|
| مار | دوا | رنده | نان | دارد | دادا |
| م   | ا   | ر    | ن   | و    | د    |



|     |     |
|-----|-----|
| مار | مار |
|-----|-----|

- مار را دواند .
- ماما مار را دواند .
- ماما را دوا دادم .
- من ماما را دوا دادم .
- دادا دوا دارد .

|      |       |       |      |      |
|------|-------|-------|------|------|
| دوا  | دواند | دادا  | داد  | نداد |
| دارد | ندارد | دادم  | مار  | ماما |
| من   | نان   | نانوا | رنده | را   |

|     |     |      |     |
|-----|-----|------|-----|
| د   | ن   | ر    | م   |
| دوا | نان | رنده | مار |
|     |     |      |     |
|     |     |      |     |
|     |     |      |     |
|     |     |      |     |

نانوا نان دارد .

دادا نان ندارد .

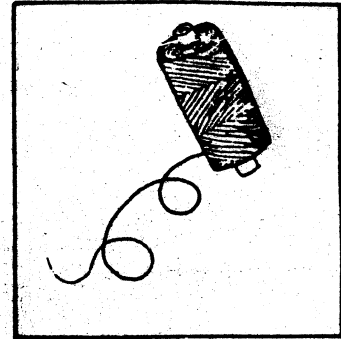
من دادا را نان دادم .

ماما نان ندارد .



# تار ت

|     |     |      |       |     |       |
|-----|-----|------|-------|-----|-------|
| تار | دوا | رنده | دارند | مار | نان   |
| تت  | ا   | ر    | د     | م   | دواند |



|     |     |
|-----|-----|
| تار | تار |
|-----|-----|

مراد تار دارد .

مراد تار داد .

مراد ترا تار داد .

من مادر را تار دادم .

مادر تار دارد .

# زن ز

|      |      |    |     |       |    |
|------|------|----|-----|-------|----|
| نواب | تواب | تب | نام | بادام | زن |
| دارد | م    | د  | ر   | ا     | ز  |
|      |      |    |     |       | زن |



|    |    |
|----|----|
| زن | زن |
|----|----|

زن تب دارد .

زنان تب دارند .

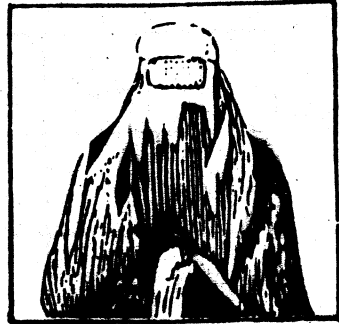
زمان زن را دوا داد .

زمان زنان را دوا داد .

زنان دوا دارند .

# زن ز

|    |       |     |    |      |      |
|----|-------|-----|----|------|------|
| زن | بادام | نام | تب | تواب | نواب |
| ز  | ا     | ر   | د  | م    | دارد |
| زن |       |     |    |      |      |



|    |    |
|----|----|
| زن | زن |
|----|----|

زن تب دارد .

زنان تب دارند .

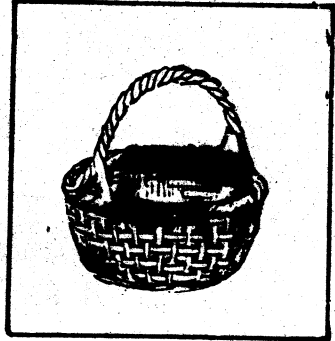
زمان زن را دوا داد .

زمان زنان را دوا داد .

زنان دوا دارند .

# سبد

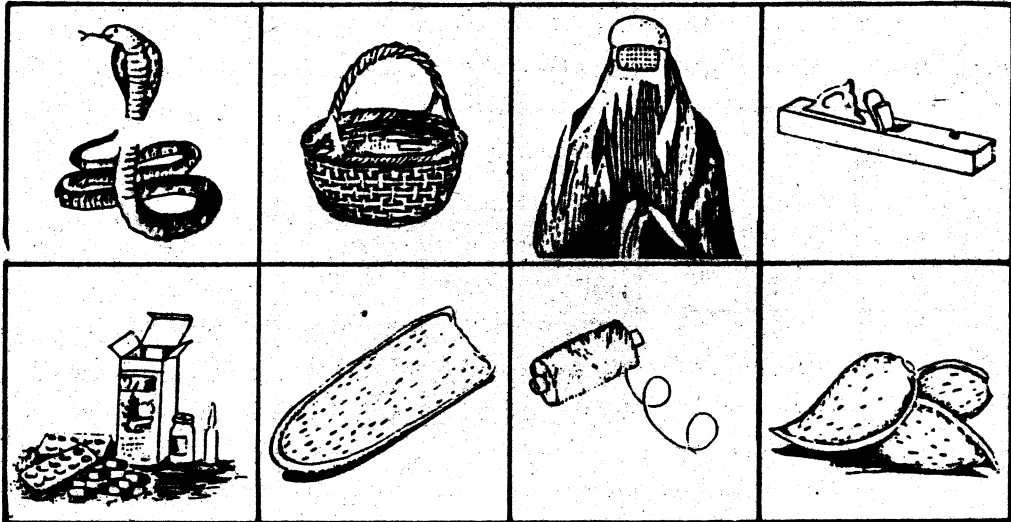
|     |    |       |      |       |      |
|-----|----|-------|------|-------|------|
| سبد | زن | زنان  | تار  | بادام | نام  |
| س   | د  | دارند | بابا | تب    | رنده |
| س   | د  |       | ر    | ت     | ه    |



|     |       |
|-----|-------|
| سبد | س ب د |
|-----|-------|

- زمان سبد دارد .
- سبد دسته دارد .
- زمان در سبد نان دارد .
- زمان تواب را نان داد .
- تواب زمان را درس داد .

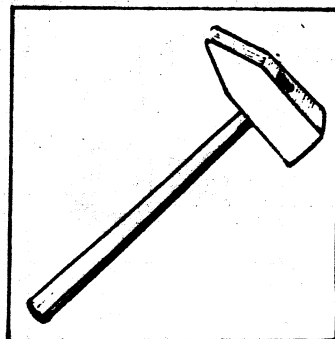
د ن ر م ت ب ز س



|                       |                          |
|-----------------------|--------------------------|
| دادا . . . داد .      | من مادر را . . . دادم .  |
| نانوا . . . دارد .    | . . . دسته دارد .        |
| . . . مادر را دواند . | . . . زمان را دوا داد .  |
| تواب . . . دارد .     | تواب در سبد . . . دارد . |

# ودان و

|      |    |     |     |     |      |
|------|----|-----|-----|-----|------|
| دسته | زن | نان | درس | سبد | ودان |
| ه    | ز  | ن   | ر   | س   | و    |
| ا    | د  | ب   |     |     |      |

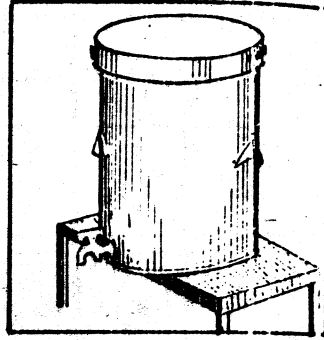


|      |      |
|------|------|
| ودان | ودان |
|------|------|

- نواب ودان دارد .
- نواب ودان را به سرور داد .
- ودان دسته دارد .
- سرور ودان و داس دارد .
- سرور داس را به نواب داد .
- سرور ودان را بر سندان زد .

# آبدان آ

|       |      |      |       |       |     |
|-------|------|------|-------|-------|-----|
| آبدان | ودان | سرور | بادام | سندان | داس |
| آ     | ب    | د    | ا     | م     | و   |
| ر     |      |      |       |       |     |



آبدان آب دان

آبدان را آورد .

آبدان را آدم آورد .

آبدان آب دارد .

سرور آمد .

سرور در سبید آرد آورد .

سرور آدم را آرد داد .

# خرما خ

|      |     |     |    |      |      |
|------|-----|-----|----|------|------|
| خرما | آدم | آمد | زن | رنده | دسته |
| خ    | م   | آ   | ز  | ن    | ه    |
|      |     |     |    | ر    | ا    |



|      |      |
|------|------|
| خرما | خرما |
|------|------|

- نواب خرما آورد .
- سرور آن خرما را به خرم داد .
- خرم در خانه خرما دارد .
- آن خرما مزه دارد .
- خرم را خرما مزه داد .
- نواب در خانه خرما ندارد .



# انار ا



انار انار

|      |      |      |      |      |       |
|------|------|------|------|------|-------|
| انار | دسته | رنده | ودان | زن   | آبدان |
| ا    | س    | ر    | آورد | خرما | مزه   |
| و    | ه    | ت    | ن    | ز    | ما    |



- آن انار ارزان است .
- انار مزه دارد .
- اسما انار آورده است .
- اسما انار را در سبد آورده است .
- اسما انار را از خانه آورده است .
- اسما به مادر انار داد .

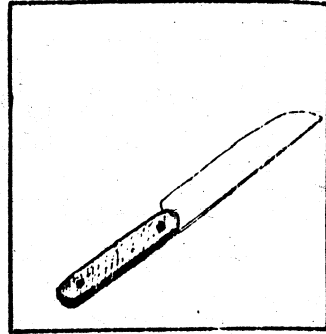
|       |     |       |      |      |       |
|-------|-----|-------|------|------|-------|
| آبدان | نام | ندارد | دسته | مار  | مزه   |
| آ     | م   | ن     | است  | خانه | ارزان |
| د     | س   | ت     | ه    | خ    | ا     |
|       |     |       |      |      | ر     |

## انارِ مزه دار

اسما انار آورد . اسما انارِ مزه دار آورد .  
 آمنه در سبذ انار آورد . آمنه سبذ انار را در خانه ماند .  
 بابا در خانه درخت دارد . بابا در خانه درختِ انار دارد .  
 تواب درخت را آب داد . تواب درختِ انار را آب داد .  
 سرور ودان به دست دارد . به دستِ سرور ودان است .

# کارد ک

|      |     |      |      |       |      |
|------|-----|------|------|-------|------|
| کارد | نان | خرم  | زنان | ارزان | دسته |
| ک    | نا  | م    | ز    | ر     | د    |
| کا   | کار | مادر | کرم  | زردک  | کاکا |



|      |      |
|------|------|
| کارد | کارد |
|------|------|

- آمنه کارد دارد .
- کاکا کارد را کار دارد .
- آمنه کارد را به کاکا داد .
- مادر کرم و زردک آورد .
- کرم و زردک را در خانه ماند .
- کرم و زردک مزه دار است .

# شاخ شد

|       |       |         |      |      |      |
|-------|-------|---------|------|------|------|
| شاخ   | آبدان | مزه دار | کارد | خرما | زردک |
| شش    | آب    | دار     | درخت | زنان | انار |
| دار   | ر     | ه       | ت    | خ    | ک    |
| آبدار | شش    | داشت    | خشک  | انار | دار  |

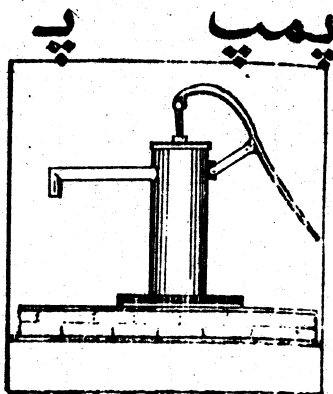


|     |     |
|-----|-----|
| شاخ | شاخ |
|-----|-----|

- آن شاخ درخت انار دارد .
- انار آبدار مزه دار است .
- مراد در خانه شش درخت انار دارد .
- شش درخت مراد انار دارد .
- درخت انار شاخ خشک داشت .
- مراد آن شاخ را اره کرد .

|     |      |      |     |     |     |
|-----|------|------|-----|-----|-----|
| پمپ | زردک | دارد | کرد | کرم | خشک |
| پ پ | م    | د    | ا   | ر   | ک   |

پدر پاک کم کرد

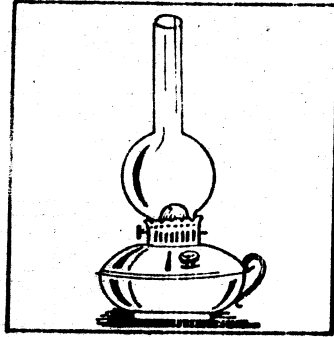


|     |       |
|-----|-------|
| پمپ | پ م پ |
|-----|-------|

- پدر نادر در خانه پمپ آب دارد .
- آب پمپ پاک است .
- پدر نادر آب پاک کار دارد .
- آب آبدان کم است .
- از پمپ آب آمد .
- پدر نادر آبدان را از آب پمپ پر کرد .

# لمپه ل

|      |      |     |      |      |       |
|------|------|-----|------|------|-------|
| لمپه | کارد | خشک | ماما | زنان | تب    |
| ل    | ک    | ما  | کم   | کرد  | آبدار |
| ا    | ش    | ب   | ر    | ن    | د     |



کلان شب کمال برد

لمپه ل م پ ه

- آمنه لمپه آورد .
- لمپه کلان است .
- آمنه لمپه را به کمال داد .
- کمال لمپه را خانه برد .
- لمپه را پاک کرد .
- لمپه شب به کار است .

|  |  |       |   |  |  |       |   |
|--|--|-------|---|--|--|-------|---|
|  |  | بادام | ب |  |  | دوا   | د |
|  |  | زن    | ز |  |  | ودان  | و |
|  |  | سبد   | س |  |  | آبدان | آ |
|  |  | خرما  | خ |  |  | اره   | ا |
|  |  | کارد  | ک |  |  | نان   | ن |
|  |  | شاخ   | ش |  |  | رنده  | ر |
|  |  | پمپ   | پ |  |  | مار   | م |
|  |  | مزه   | ه |  |  | تار   | ت |

|      |      |      |     |     |
|------|------|------|-----|-----|
| خانه | رنده | کلان | خشک | اره |
|------|------|------|-----|-----|

|               |                 |
|---------------|-----------------|
| لمپه... است . | لمپه کلان است . |
|---------------|-----------------|

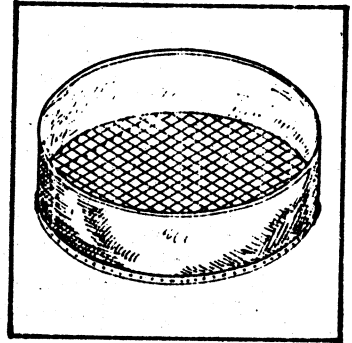
شاخ . . . است . آمنه در . . . است .  
آن . . . است . در دست کاکا . . . است .

---

انار از اسما است . انار از اسماست .  
آن رنده از بابا است . آن رنده از باباست .

# غریبال غ

|        |      |       |      |      |      |
|--------|------|-------|------|------|------|
| غریبال | است  | انار  | درخت | زمان | لمپه |
| غ غ    | س    | ا     | خ    | کا   | کارد |
| غ غ    | ز    | د     | ل    | ت    | ه    |
| با     | دکان | ساخته | باغ  | غله  | بهره |



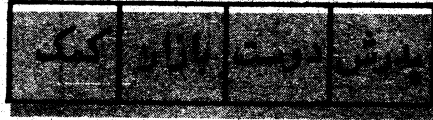
|        |        |
|--------|--------|
| غریبال | غریبال |
|--------|--------|

نادر در دکان غریبال ساخته است . کمال  
 از دکان نادر غریبال آورد. آن را به باغ برد  
 و به مادر داد . مادر در غریبال غله  
 انداخت . مادر غله را در باغ غریبال کرد . کمال  
 غله را آرد کرد و به دکان برد . در دکان  
 کمال آرد ارزان است .



# کور و

|     |     |      |      |     |        |
|-----|-----|------|------|-----|--------|
| کور | است | بابا | زمان | خشک | انداخت |
| و   | س   | با   | ز    | ک   | پدر    |
| ر   | ت   | ا    | م    | ش   | د      |

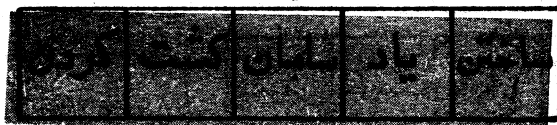
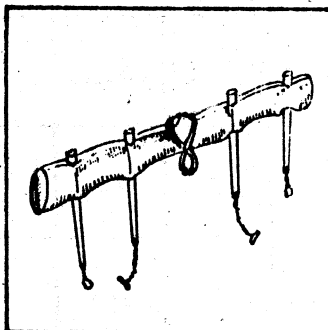


|     |       |
|-----|-------|
| کور | ک و ر |
|-----|-------|

پدر مراد کور است . نام پدر مراد دوست است . دوست در بازار کار داشت . مراد پدرش را از خانه به بازار و از بازار به خانه برد . مراد پدرش را کمک کرد . مراد پدرش را دوست دارد .

# یوغ ی

|     |     |    |       |      |      |
|-----|-----|----|-------|------|------|
| یوغ | کور | شش | ساخته | کمال | ودان |
| ی   | ک   | ش  | سا    | ما   | ن    |
| و   | ر   | ا  | خ     | ت    | د    |



|     |     |
|-----|-----|
| یوغ | یوغ |
|-----|-----|

کمال یوغ ساخته است . کمال ساختن یوغ را  
 یاد دارد . کمال یوغ را به نادر داد . نادر با  
 یوغ کار کرد . یوغ سامان کار نادر است . یوغ  
 نادر را در کشت و کار کمک کرد . نادر و  
 کمال کار کردن را دوست دارند .

# تکری ی

|      |       |      |      |     |       |
|------|-------|------|------|-----|-------|
| تکری | ساخته | مراد | کمال | کار | پر    |
|      | سامان | دوست | یوغ  | تب  | بازار |
| سا   | خ     | ت    | ته   | سد  | ب     |
| ز    | ر     | م    | ل    | کا  | پ     |



|      |      |
|------|------|
| تکری | تکری |
|------|------|

خرم در خانه تکری ساخت . تکری را به  
 نانوا داد . نانوا در تکری نان خشک ماندو  
 به ماما داد . ماما تکری نان را خانه برد .  
 خرم از بازار در تکری کرم ، زردک ، ملی  
 و سبزی آورد . خرم تکری ترکاری را به اسما  
 داد . اسما ترکاری را پاک و سبزی را پخته  
 کرد . اسما نان مزه دار پخته کرد .

|    |    |    |      |     |    |    |    |
|----|----|----|------|-----|----|----|----|
| پ  | ا  | زر | ک    | نان | غر | ان | سب |
| م  | دا | د  | کر   | ت   | با | تخ | غ  |
| سر | خا | ما | ساخت | رن  | آب | لم | سد |

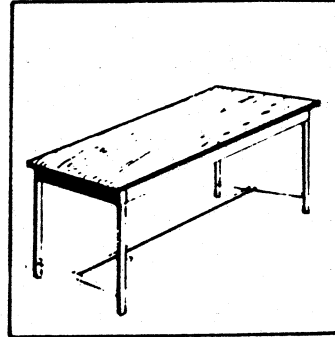
|     |     |     |     |     |     |      |    |
|-----|-----|-----|-----|-----|-----|------|----|
| در  | ره  | دک  | لان | وا  | بال | داخت | زی |
| راد | رند | کان | دن  | واب | دام | ته   | له |
| ور  | نه  | ما  | تن  | ده  | دان | په   | بد |

|   |   |
|---|---|
| ی | پ |
|---|---|

- نان در تگری است . نان در تگریست .
- در تگری سبزی است . در تگری سبزیست .
- آن تگری ترکاری است . آن تگری ترکاریست .
- در تگری ترکاری و ملی است . در تگری ترکاری و ملیست .

# میز ی

|     |       |        |     |        |       |
|-----|-------|--------|-----|--------|-------|
| میز | تو اب | ساخ ته | کمک | انداخت | ندارد |
| پ   | ت     | سا     | ک   | سامان  | دارد  |
| ز   | می    | خ      | ه   | ن      | د     |



تخته میکند میخ میزند میسازد

میز - میز

کمال میز کار دارد . کمال میز را در خانه کار دارد . کمال در خانه سامان کار دارد . کمال تخته را اره میکند ، میخ میزند و میز میسازد . کمال میز کار میسازد . کمال کار کردن را دوست دارد .

# بوت و

|     |     |     |      |       |       |
|-----|-----|-----|------|-------|-------|
| بوت | کشت | دست | سبزی | کردن  | ساخته |
| و   | ک   | س   | ب    | بازار | میخ   |
| ر   | ت   | ز   | ی    | ن     | خ     |
| د   |     |     |      |       |       |



|     |     |
|-----|-----|
| بوت | بوت |
|-----|-----|

مراد دکان بوت دوزی دارد . کسب مراد  
 بوت دوزیست . مراد بوت خوب میسازد . در  
 دکان مراد بوت ارزان است . مراد نور را بوت داد .  
 بوت نور ساخت مراد است . بوت ساخت مراد  
 خوب و ارزان است .

# چاتی چه

|      |     |       |       |      |     |
|------|-----|-------|-------|------|-----|
| چاتی | نور | یوغ   | ساخته | بابا | خشک |
| چ    | ی   | سندان | پر    | دوست | از  |
| سا   | ه   | با    | ر     | و    | ز   |
|      |     | س     | پ     | ت    | ک   |

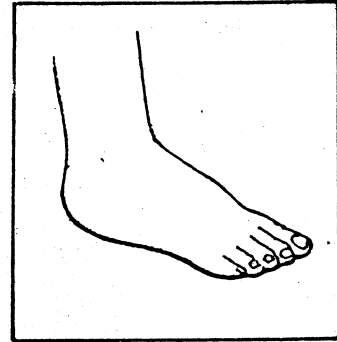


|      |      |
|------|------|
| چاتی | چاتی |
|------|------|

نوریه چاتی را پاک کرد و در سایه ماند.  
 در چاتی آب پاک انداخت و سرآن را پت  
 کرد. نوریه چاتی را روز یک بار از آب  
 پاک پر میکند. چاتی آب پاک دارد. آب  
 پاک خوب است.

# پای ی

|     |      |      |      |    |      |
|-----|------|------|------|----|------|
| پای | آورد | ماند | چاتی | به | سایه |
| ی   | ه    | بار  | یک   | پت | در   |
| پ   | د    | ر    | چا   | ب  | ا    |



مانده درد برای چای برادر

پای پای

بابا مانده است . پای بابا درد میکند .  
 آمنه برای بابا دوا و چای آورد . آمنه  
 برای بابا چای مزه دار آورد . دوا و چای  
 برای بابا خوب است . دوا درد پای بابا  
 را خوب کرد . بابا برادر آمنه است .



|    |    |     |      |          |
|----|----|-----|------|----------|
| کی | چی | داس | نواب | بوت دوزی |
| ک  | چ  | کور | میخ  | پمپ آن   |
| ی  | ر  | س   | و    | ا        |
| آ  | م  | زی  | می   | خ        |
| ن  |    |     |      |          |

|    |    |
|----|----|
| کی | چی |
|----|----|

|   |
|---|
| ؟ |
|---|

|                |         |
|----------------|---------|
| کورس سوادآموزی | میخواند |
|----------------|---------|

کی سرچاتی راپت کرد ؟ نوریه سرچاتی راپت کرد.

نوریه سرچی راپت کرد ؟ نوریه سرچاتی راپت کرد.

کی به بابا دوا داد ؟ آمنه به بابا دوا داد .

آمنه به بابا چی داد ؟ آمنه به بابا دوا داد .

نوریه در کورس سوادآموزی نوریه در کورس سوادآموزی

چی میکند ؟ درس میخواند .

کی در کورس سوادآموزی نوریه در کورس سوادآموزی

درس میخواند ؟ درس میخواند .

# هیل ه

|     |        |     |    |      |     |
|-----|--------|-----|----|------|-----|
| هیل | مزهدار | آدم | از | ماند | دست |
| ه   | دار    | د   | ا  | ما   | یاد |
| ی   | هیل    | م   | ن  | س    | ت   |
| ز   |        |     |    |      |     |

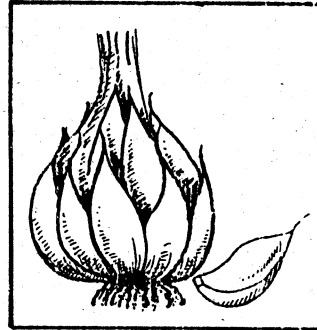


|     |     |
|-----|-----|
| هیل | هیل |
|-----|-----|

سرور از بازار هیل چای آورد. هیل را از دکان خرم آورد. خرم در دکان هیل چای خوب دارد. سرور هیل چای را به اسما داد. اسما هیل را در چای انداخت و چای هیلدار دم کرد. هیل چای را مزهدار میسازد، اما ارزان نیست. هیل زیاد در چای خوب نیست.

## سیر پی

|     |      |      |       |     |     |
|-----|------|------|-------|-----|-----|
| سیر | زمان | نام  | درخت  | کشت | چای |
| پی  | ز    | نواب | کاربد | روز | کور |
| س   | ا    | ن    | کا    | شد  | ت   |
| ر   | کو   | د    | خ     | ب   | چ   |
| م   |      |      |       |     |     |

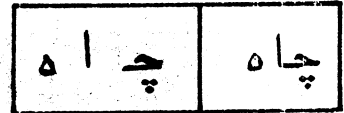
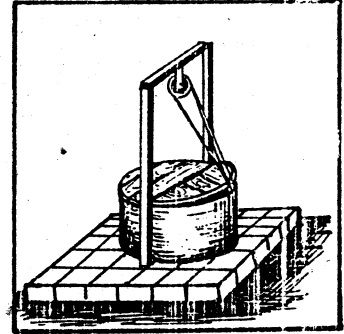


|     |     |
|-----|-----|
| سیر | سیر |
|-----|-----|

کاکا نواب زمین را سیر کاشت . سیر چیز خوب است . کاکا نواب سیر زیاد کاشت ؛ سیر را کود و آب داد . کود و آب سیر را خوب کلان کرد . کود برای کشت و کار چیز خوب است . کاکا نواب سیر را بازار برد . سیر کاکا نواب سیر خوب است ، خراب نیست . کاکا نواب سیر خراب ندارد .

# چاه ه

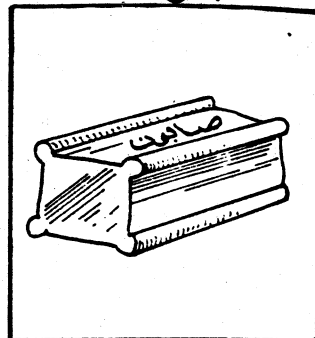
|              |     |     |        |        |    |
|--------------|-----|-----|--------|--------|----|
| چاه          | پمپ | شاخ | سر     | دوست   | را |
| ه            | پ   | ش   | انداخت | هیلدار | دم |
| چ            | ر   | خ   | ن      | و      | م  |
| چرخ سرپوش هم |     | ت   | س      | ا      |    |
| سمنت راه     |     |     |        |        |    |



نور در خانه چاه دارد . نور برای چاه چرخ ساخته است . نور برای چاه سرپوش هم ساخته است . نور برای سمنت کردن چاه از بازار سمنت آورد . چاه و راه خانه را سمنت کرد . آب چاه پاک است . آب چاه برای دم کردن چای و پخته کردن نان خوب است .

# صابون صد

|       |      |      |        |       |       |
|-------|------|------|--------|-------|-------|
| صابون | انار | هیل  | آمنه   | سامان | کا کا |
| صد    | ص    | ا    | ل      | خانه  | میکند |
| ن     | کا   | لا   | آ      | سا    | ن     |
| اصل   | آسان | کالا | نمیکند | خاص   | خا    |



|       |         |
|-------|---------|
| صابون | صد ابون |
|-------|---------|

آمنه ساختن صابون را یاد دارد ؛ در خانه صابون میسازد . آمنه صابون اصل میسازد . ساختن صابون در خانه آسان است . صابون ساخت خانه ارزان است . صابون اصل دست و کالا را خراب نمیکند . صابون ساخت آمنه خاص برای کالا است .

|       |       |       |                    |     |     |
|-------|-------|-------|--------------------|-----|-----|
| کاشت  | میکند | صابون | نور                | پاک | هیل |
| ساختن | چه    | آن    | ر                  | ا   | ه   |
| د     | می    | ن     | و                  | ی   | پ   |
| شد    | ک     | ت     | [Blacked out area] |     |     |

|    |    |
|----|----|
| که | که |
|----|----|

|      |      |
|------|------|
| آنچه | آنچه |
|------|------|

## کمال درس میخواند

هارون سواد دارد . به کمال درس میدهد .  
 هارون آنچه را که یاد دارد ، به کمال یاد میدهد .  
 کمال که درس را دوست دارد ، هر روز پیش  
 هارون درس میخواند . کمال آنچه را که پیش  
 هارون میخواند شب در خانه تکرار میکند .  
 تکرار درس در خانه کار خوب است . کمال در  
 کورس سواد آموزی هم درس میخواند .

# گل گ

|    |       |      |     |     |      |
|----|-------|------|-----|-----|------|
| گل | هارون | ودان | ششش | تار | مزه  |
| گ  | ها    | و    | پای | تا  | تواب |
| ل  | ه     | دان  | ش   | زه  | ا    |
|    |       |      | د   | ر   | ن    |

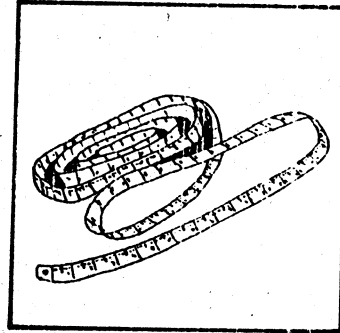


|    |     |
|----|-----|
| گل | گ ل |
|----|-----|

نور در خانه گل دارد . گلهای در گلدان است .  
 نور ششش گلدان دارد . نور گلهای را کم کم  
 کود میدهد که خوب کلان شود . نور گلهای را  
 زیاد دوست دارد . گلهای نور رنگارنگ است .  
 گل و درخت در خانه هوا را تازه و خوب  
 میسازد . هوای تازه برای آدم خوب است .

|                  |     |        |        |          |      |
|------------------|-----|--------|--------|----------|------|
| فیته             | اصل | میسازد | سرپوش  | مادر     | زمین |
| ف ف              | هم  | سایه   | گلدان  | بوت دوزی |      |
| ص                | د   | هم     | می     | و        | ز    |
| ما               | ی   | ر      | شد     | گلا      | دوزی |
| صدف سیدرزه ماشین |     |        | گلدوزی |          |      |
| میفرشد           |     | همسایه |        |          |      |
| ن                |     |        |        |          |      |

# فیته ف



|      |      |
|------|------|
| فیته | فیته |
|------|------|

صدف که برای نوریه کالا میدوزد، فیته کار دارد. صدف کالا را با ماشین میدوزد. ماشین و فیته سامان کار صدف است. صدف ماشین گلدوزی هم دارد. با ماشین گلدوزی، گلهای رنگارنگ میدوزد و میفروشد. صدف زنان همسایه را کمک میکند؛ به آنها ساختن صابون و گلدوزی را یاد داده است.



# درو و

|      |      |      |       |          |
|------|------|------|-------|----------|
| درو  | من   | دکان | بادام | رنگارنگ  |
| و    | گ    | ن    | بار   | کلان خاص |
| پ    | ل    | د    | خ     | ص لا     |
| گندم | خرمن | خلاص | پلو   | م ر      |



|     |     |
|-----|-----|
| درو | درو |
|-----|-----|

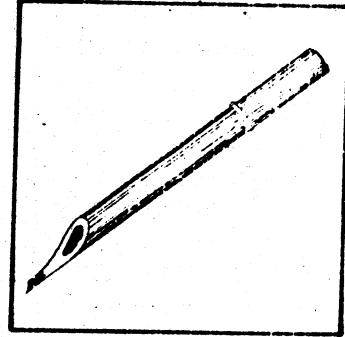
ماما نور گندم درو میکند . ماما نور گندم  
 را با داس درو میکند . مراد هم با ماما نور  
 گندم درو میکند . مراد ماما نور را کمک میکند .  
 ماما که گندم را درو کرد ، آن را خرمن  
 میکند .

کار که خلاص شد ، ماما نور مراد را پلو  
 داد . پلو مراد را مزه داد . ماما مراد را چای  
 میداد هم داد .

|     |      |      |       |      |      |
|-----|------|------|-------|------|------|
| قلم | خلاص | کاشت | میکند | خرمن | ودان |
| ق   | س    | ب    | نور   | گل   | سبد  |
| م   | ش    | می   | ر     | و    | د    |



# قلم و



|     |   |   |   |
|-----|---|---|---|
| قلم | ق | ل | م |
|-----|---|---|---|

نورگل قلم کار دارد . سرور به نورگل  
 قلم میدهد . نورگل با قلم مشق میکند . نورگل  
 به کورس سوادآموزی میرود و سبق میخواند .  
 نورگل هر روز به کورس سوادآموزی میرود ،  
 سبق میخواند و مشق میکند . نورگل خوب  
 مشق میکند . سرور به نورگل مشق را یاد  
 داده است .

# نخود و



|      |       |
|------|-------|
| نخود | ن خود |
|------|-------|

|         |       |   |   |
|---------|-------|---|---|
| خود رنگ | - رنگ | } | ■ |
| خود ش   | - ش   |   |   |
| خود کار | - کار |   |   |

|        |      |   |   |
|--------|------|---|---|
| خود د  | - د  | } | ■ |
| خود دن | - دن |   |   |

|         |       |   |   |
|---------|-------|---|---|
| خود رنگ | - رنگ | } | ■ |
| خود مزه | - مزه |   |   |

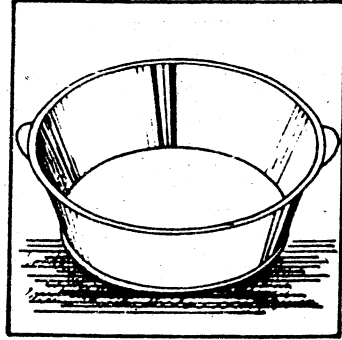
|                                |                            |
|--------------------------------|----------------------------|
| کمال قلم دارد . . . (خود رنگ)  | کمال قلم دارد . . .        |
| سرور قلم دارد . (خود کار)      | سرور قلم دارد . . .        |
| نوریه پلو پخته کرد . (خوش مزه) | نوریه پلو . . . پخته کرد . |

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| کمال آب کار دارد . (خودش)    | کمال . . . آب آورد .        |
| کمال برادر سرور است . (خورد) | کمال برادر . . . سرور است . |
| کمال آب آورد . (خوردن)       | کمال آب . . . آورد .        |

|     |       |     |      |       |     |
|-----|-------|-----|------|-------|-----|
| طشت | هارون | سیر | گندم | دست   | صدف |
| ط   | ه     | ر   | گ    | میکند | گل  |
| شد  | ا     | م   | د    | سد    | ن   |
|     |       | ف   | ی    | ک     | ت   |

|      |      |
|------|------|
| طاهر | گرم  |
| شست  | دیگر |

# طشت ط

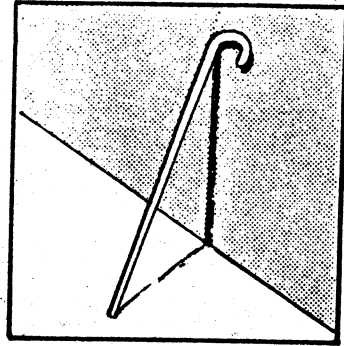


|     |     |
|-----|-----|
| طشت | طشت |
|-----|-----|

کمال از دکان طاهر طشت آورد. کمال  
 طشت را به صدف داد. صدف با آب گرم  
 و صابون کالا را در آن شست.  
 صدف به کمال گفت: «یک طشت دیگر  
 هم به کار است که در آن ترکاری پاک کنیم.  
 در طشت کالا پاک کردن ترکاری خوب نیست.»  
 کمال از دکان طاهر برای پاک کردن ترکاری  
 یک طشت دیگر هم آورد.

# عصا ع

|     |      |       |     |        |      |
|-----|------|-------|-----|--------|------|
| عصا | سرور | میکند | پاک | فیته   | رنگ  |
| ع ع | گرم  | کنیم  | قلم | انداخت | طاهر |
| ع ع | س    | می    | پ   | پ      | ر    |
|     |      |       | ل   | ن      | گ    |

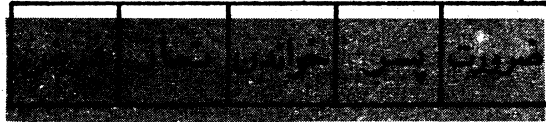
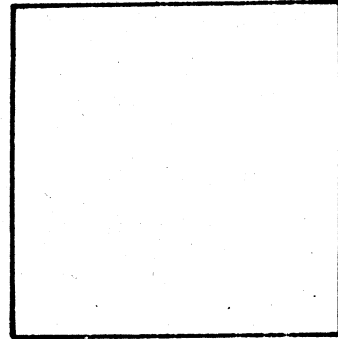


عصا ع ص ا

بابا عصا دارد . عصا را برای بابا سمیع  
 آورده است . سمیع عصا را از بازار آورده  
 است . بابا آدم پیر است . آدم پیر به  
 کمک عصا آسان راه می‌رود .  
 آدم لنگ هم عصا کار دارد . ماما لنگ است .  
 ماما هم به کمک عصا راه می‌رود .

# ضعیف ضد

|      |       |     |      |         |      |
|------|-------|-----|------|---------|------|
| ضعیف | هارون | دست | مادر | میخواند | از   |
|      | پیر   | پاک | سر   | اصل     | کردن |
| ر    | و     | ت   | پ    | ف       | سمیع |
| ما   | ز     | خ   | ا    | ن       | دن   |



|      |      |
|------|------|
| ضعیف | ضعیف |
|------|------|

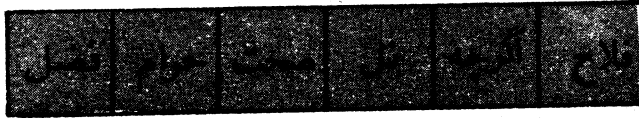
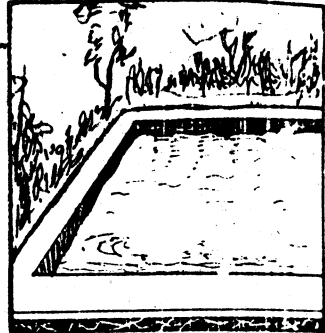
بابا پیر و ضعیف است . آدم پیر و ضعیف  
 به عصا ضرورت دارد . بابا هم که پیر و ضعیف  
 است به عصا ضرورت دارد . هر آدم پیر و  
 ضعیف به عصا ضرورت دارد .

بابا برای خواندن نماز فرض میرود ، به عصا  
 ضرورت دارد . نواب که پسر باباست ، پدرش  
 را کمک میکند و عصا را بدستش میدهد .

کمک کردن به آدمهای پیر و ضعیف کار خوب است .

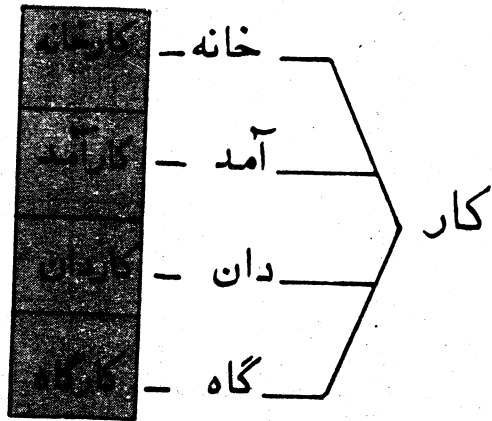
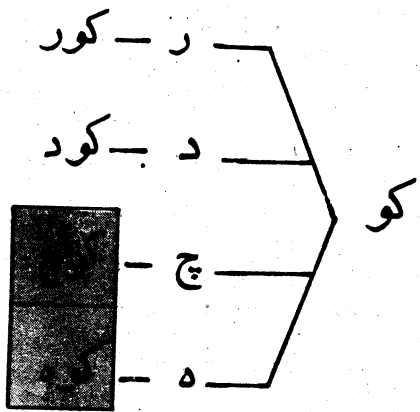
# حوض ح

|     |      |      |      |      |        |
|-----|------|------|------|------|--------|
| حوض | کالا | فرض  | اصل  | گندم | پسر    |
| ح   | سمیع | نماز | آنچه | نام  | ضرورت  |
| ف   | لا   | گ    | ر    | ض    | خواندن |
| م   | ت    | ا    | م    | ن    | ل      |



|     |       |
|-----|-------|
| حوض | ح و ض |
|-----|-------|

فضل در خانه حوض دارد. فضل حوض را  
 سمنت کرده است. فلاح، پسر فضل، هر روز  
 حوض را از آب پاک پر میکند. اگر چه فلاح حوض  
 را از آب پاک پر میکند، اما برای خوردن و چای  
 دم کردن به آب چاه یا نل ضرورت دارد. آب  
 چاه و نل پاک است. آب پاک برای صحت خوب  
 است. خوردن آب حوض برای صحت خوب  
 نیست. خوردن آب ناپاک حرام است.



|     |     |     |     |
|-----|-----|-----|-----|
| کور | کود | کوچ | کوه |
|-----|-----|-----|-----|

|         |        |        |        |
|---------|--------|--------|--------|
| کارخانه | کارآمد | کاردان | کارگاه |
|---------|--------|--------|--------|

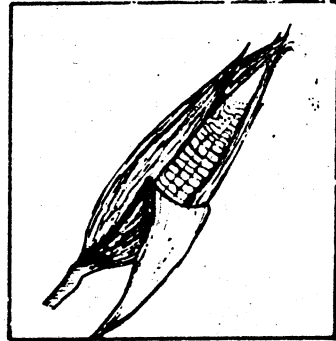
- پدر نادر . . . است .
- ماما زمین را . . . داد .
- کمال از خانه . . . کرد .
- آن . . . درخت دارد .

- آمنه در . . . صابون میسازد .
- فضل درد کان خود سامان . . . زیاد دارد .
- فضل کارگر . . . است .
- اسما . . . دارد .



# جواری ج

|       |      |      |       |      |        |
|-------|------|------|-------|------|--------|
| جواری | مراد | فیته | کسب   | پدرش | مانده  |
| ج ج   | آورد | قابل | سامان | اصل  | فلاح   |
| می پ  | ر    | ب    | سا    | ل    | کارگاه |
| م     | ف    | د    | و     | پ    | ن      |
| ح     | ا    | ص    | ق     | ت    | ش      |



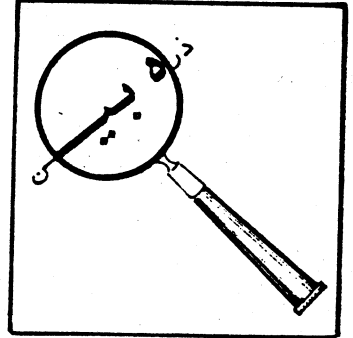
تولید جریب پنج ساله شامل ریش

جواری ج واری

جواری چیز مفید است. سرور شش جریب زمین دارد. پنج جریب آن را جواری کاشت. سرور هر سال در زمین خود یک چیز کشت نمیکند. کشت کردن یک چیز هر سال در یک زمین حاصل زمین را کم میسازد. کود دادن در وقتش برای کشت مفید است. سرور که کشت خود را در وقتش کود و آب داد حاصل خوب به دست آورد.

# ذره بین ذ

|         |      |        |      |      |     |
|---------|------|--------|------|------|-----|
| ذره بین | کلان | ترکاری | خراب | طاهر | غله |
| ذ       | سیر  | کم     | سبق  | آن   | شاخ |
| م       | تر   | ن      | شا   | خ    | ط   |
| کا      | غ    | ق      | ر    | ک    | پ   |



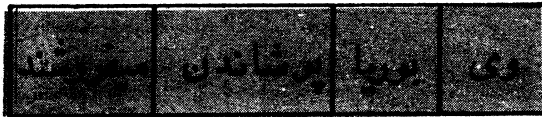
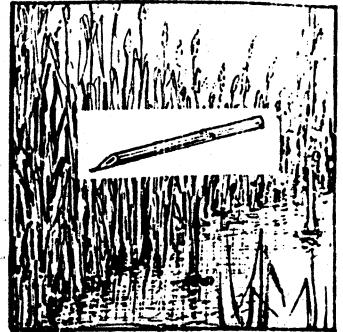
|         |         |
|---------|---------|
| ذره بین | ذره بین |
|---------|---------|

ذره بین چیزهای خورد را کلانتر نشان میدهد. بابا یک ذره بین دارد. ذره بین بابا هم چیزهای خورد را کلانتر نشان میدهد. بابا خطهای خورد خورد کاغذ را به کمک ذره بین میخواند. بابا با ذره بین خود قرآن کریم هم میخواند.

ذره بین خواندن قرآن کریم و خطهای خورد کاغذ را آسان میسازد.

# نی ی

|    |      |        |       |     |        |
|----|------|--------|-------|-----|--------|
| نی | وقتش | بوت    | سرپوش | یاد | میفرشد |
| ی  | و    | کلانتر | قرآن  | شاخ | کردن   |
| بو | ر    | یا     | پو    | شا  | ن      |
| می | ف    | رو     | شد    | د   | دن     |



|    |    |
|----|----|
| نی | نی |
|----|----|

فضل نی آورده است . وی از نی بوریاء میسازد . بوریاء و نی برای پوشاندن خانه و ساختن دیگر چیزها به کار میرود .  
 فلاح ، برادر فضل ، هم ساختن بوریاء را یاد دارد . وی از نی بوریاءهای خوب میسازد .  
 کار فضل و فلاح ساختن بوریاءست . فضل و فلاح بوریاء را در بازار میفروشد .

# ظرفها ظ

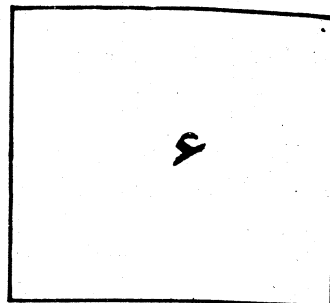
|       |       |        |       |       |         |
|-------|-------|--------|-------|-------|---------|
| ظرفها | ظرف   | نمیکند | فیته  | حاصل  | پوشاندن |
| ظ     | نی    | سایه   | در    | هم    | زمین    |
| ن     | ی     | ف      | ه     | ه     | مین     |
| می    | شد    | و      | د     | ل     | حا      |
| ظرفها | ظرفها | ظرفها  | ظرفها | ظرفها | ظرفها   |



ظرفها    ظرفها

در ظرف ناپاک نان خوردن خوب نیست.  
 نظیفه ظرفها را با صابون و آب گرم پاک  
 میشوید . وی ظرفها را با پودر هم میشوید .  
 صابون یا پودر ظرفها را پاک میکند .  
 خوردن نان ، چای یا هر چیز دیگر در  
 ظرف ناپاک برای صحت خوب نیست . به همین  
 لحاظ نظیفه هر روز ظرفها را با پودر یا  
 صابون پاک میشوید .

|      |        |        |      |       |        |
|------|--------|--------|------|-------|--------|
| پاک  | تازه   | انداخت | خانه | هارون | ما     |
| بوت  | غریبال | سایه   | پنج  | آبدان | میروود |
| سمیع | نه     | پ      | زه   | اندا  | می     |
| ل    | د      | ر      | و    | آ     | می     |
| ع    | م      | ج      | ی    | با    | ها     |



یک اندازه پول

یک اندازه آن پول

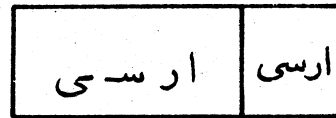
می آورد ماهانه آن پول

نظیفه ، که از ساختن صابون ماهانه یک اندازه پول به دست می آورد ، یک اندازه آن را جمع میکند . جمع کردن یک اندازه پول کار خوب است .

برادر نظیفه هم ، که از کار ماهانه خود یک اندازه پول به دست می آورد ، یک اندازه آن را جمع میکند .

ما هم باید یک اندازه پول خود را ماهانه جمع کنیم .

|      |      |     |        |         |     |
|------|------|-----|--------|---------|-----|
| ارسی | نماز | پنج | میدوزد | تازه    | درس |
| ا    | ن    | ج   | رنگ    | رنگارنگ | سبق |
| ر    | س    | د   | و      | تا      | ق   |



طاهر نجار ارسی ساخته است . او نجار خوب است ؛ ارسی ، میز و دیگر چیز های خوب میسازد .

طاهر برای اتاق خود یک ارسی کلان و یک ارسی خورد ساخته است . طاهر که ارسی و میز را میسازد ، رنگ هم میکند .

طاهر در ساختن ارسی ، میز و چیزهای دیگر استاد است . استاد طاهر هرچیز را که میسازد به پول خوب میفروشد .

# ژاله

|      |        |       |      |      |        |
|------|--------|-------|------|------|--------|
| ژاله | میسازد | بادام | رنده | پدر  | مراد   |
| ژ    | شود    | خشک   | کالا | دیگر | تار    |
| می   | با     | ر     | د    | پ    | خواندن |
| ب    | م      | ش     | ه    | ی    | لا     |
|      |        | ک     | س    | تا   | ن      |



|        |        |
|--------|--------|
| پژمرده | پژمرده |
| پژمرده | پژمرده |

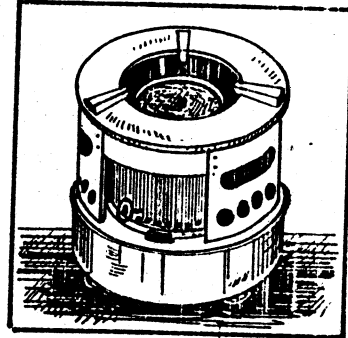
|      |      |
|------|------|
| ژاله | ژاله |
|------|------|

ژاله میبارد . ژاله برای کشت و کار خوب نیست . ژاله گلها ، درختها و کشت و کار را پژمرده و خراب میکند . گل که پژمرده شود ، خشک میشود . ژاله شاخ درخت انار را شکستاند . بیژن آن شاخ را اره کرد . ژیلا بیژن را کمک کرد و شاخ درخت را خانه برد . بیژن برادر کلان ژیلاست .

# اشتوپ ۱

|       |      |      |         |      |        |
|-------|------|------|---------|------|--------|
| اشتوپ | فلاح | آسان | دکان    | جریب | میبارد |
| ا     | ح    | سان  | مزه دار | چرخ  | صدف    |
| خ     | ر    | ی    | د       | دکان | دار    |
|       |      |      | ن       | صا   | ف      |

احسان بخرد انصاف  
دکاندار نرخ



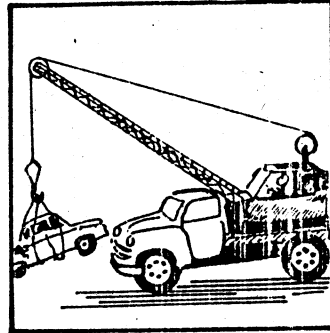
اشتوپ اشتوپ

احسان از دکان بیژن اشتوپ خرید. بیژن دکاندار با انصاف است؛ هرچیز را به نرخ روز میفروشد. به همین لحاظ احسان از دکان او اشتوپ خرید. اشتوپ احسان خوب کار میکند. در دکان بیژن اشتوپ زیاد است.



# جرثقیل ت

|        |       |       |      |      |     |
|--------|-------|-------|------|------|-----|
| جرثقیل | سندان | رنگ   | نچار | چای  | غله |
| ت      | اگرچه | نظیفه | است  | دکان | پلو |
| سند    | گ     | ی     | ن    | جا   | ی   |
| د      | ر     | س     | ت    | ق    | ل   |
| سنگین  | جای   | نقل   | غوث  | غ    | و   |

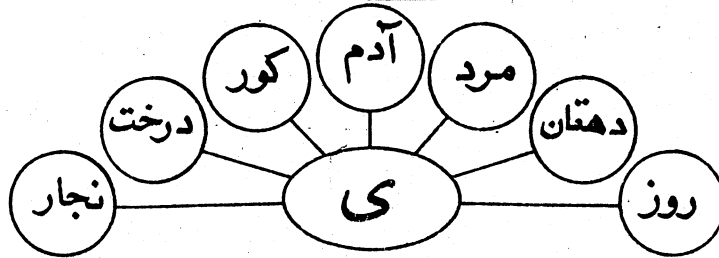


جرثقیل ج رثقیل

جرثقیل چیزهای سنگین را از یک جای به جای دیگر نقل میدهد. غوث جرثقیل دارد. او با جرثقیل کار میکند. جرثقیل ماشین کلان و سنگین دارد. اگر جرثقیل خراب شود، غوث خودش آن را درست میکند. غوث آدم پرکار و نظیف است. کار را که خلاص کند خود را با آب گرم و صابون میشوید.

|      |       |      |    |      |       |
|------|-------|------|----|------|-------|
| نادر | هارون | اتاق | شب | خرما | دارند |
| د    | ه     | ق    | ا  | نان  | ودان  |
| شد   | ر     | خ    | دا | و    | ن     |

دهقان شهر خدایت



مردی  
کوری  
روزی  
درختی  
آدمی  
دهقانی  
نچاری

روزی دهقانی به شهر آمد .  
 . . . از شهر آمد .  
 . . . که کار میکند خداوند او را  
 دوست دارد .  
 نواب . . . را کمک کرد .  
 ژاله شاخ . . . را شکستاند .  
 . . . میز ساخته است .

|       |      |       |        |       |       |
|-------|------|-------|--------|-------|-------|
| درد   | کاغذ | گفت   | میز    | چاه   | ماما  |
| دارند | شاخ  | رنگ   | خداوند | ه     | ما    |
| د     | ن    | رد    | ز      | گ     | می    |
| ر     | شا   | شاگرد | شاگرد  | شاگرد | شاگرد |

ع

تأسیس  
تأثیر

## تأسیس کورس سواد آموزی

احسان در خانه کورس سواد آموزی تأسیس کرده است. از تأسیس کورس سواد آموزی احسان پنج ماه میگذرد. احسان خودش در کورس درس میدهد. در کورس سواد آموزی احسان نرزه شاگرد درس میخواند. شاگردان احسان درس خواندن را خوش دارند. درس احسان بر شاگردان تأثیر خوب کرده است.

|            |                   |                  |                |                |
|------------|-------------------|------------------|----------------|----------------|
| آ<br>آ     | الفمد<br>ا<br>الف | ب بی<br>ب بی     | پ پی<br>پ پی   | ت تی<br>ت تی   |
| ث<br>ث     | ج جیم<br>ج ج      | چ چی<br>چ چی     | ح حی<br>ح حی   | خ خی<br>خ خی   |
| د<br>د     | ذ ذال<br>ذ ذ      | ر ری<br>ر ری     | ز زی<br>ز زی   | ژ ژی<br>ژ ژ    |
| س<br>س     | ش شین<br>ش ش      | ص صاد<br>ص ص     | ض ضاد<br>ض ض   | ط طوی<br>ط ط   |
| ظ ظوی<br>ظ | ع عین<br>ع ع      | غ غین<br>غ غ     | ف فی<br>ف فی   | ق قاف<br>ق ق   |
| ک کاف<br>ک | گ گاف<br>گ گ      | ل لام<br>ل لام   | م میم<br>م میم | ن نون<br>ن نون |
| و واو<br>و | ه هی<br>ه ه       | ء همزه<br>ء همزه | ی یای<br>ی یای |                |

|       |     |      |     |        |       |
|-------|-----|------|-----|--------|-------|
| تأثیر | غوٹ | نی   | هر  | خراب   | یاد   |
| ث     | وقت | وقتش | گفت | خواندن | ماه   |
| م     | ف   | ت    | یا  | خواه   | تأسیس |
| ب     | خ   | ی    | ر   | وا     | ه     |

## ثواب

ثریا خواهر صدف است . او یک زن خیرخواه است ، کار های خیر و ثواب را خوش دارد . او هر وقت به مردم کمک میکند . ثریا در کورس سواد آموزی درس میدهد . در کورس نژده شاگرد ثبت نام کرده اند . ثریا شاگردان را مفت درس میدهد . درس دادن مفت ثواب زیاد دارد . او برای ثواب قرآن کریم هم درس میدهد . ثریا خواهر خود را هم درس قرآن میدهد .

|      |      |         |      |      |       |
|------|------|---------|------|------|-------|
| فیتہ | جمع  | فرض     | تختہ | مراد | یحییٰ |
| است  | لمپہ | خیرخواہ | عصا  | ثریا | ی ا   |
| س    | ی    | ع       | ض    | ت    | مر    |
| ا    | ل    |         |      |      |       |

یحییٰ

ی ح ی ی

## کسب و کار

یحییٰ ، مرتضیٰ و عیسیٰ با ہم برادرند . لیلیٰ خواهر آنهاست . یحییٰ در زمین خود کار میکند ، گندم ، کرم ، زردک و دیگر چیز های مفید کشت میکند . مرتضیٰ نجار است ، میز و دیگر چیز های اعلیٰ میسازد . عیسیٰ بوریا ساز است ، بوریا های اعلیٰ میسازد . لیلیٰ در خانه خود صابون میسازد و آن را میفروشد . لیلیٰ صابون اعلیٰ میسازد . لیلیٰ ساختن صابون را به خواهر خود هم یاد داده است .

|         |       |       |        |         |       |
|---------|-------|-------|--------|---------|-------|
| ایستگاه | مراد  | عصا   | درو    | سواد    | سبید  |
| ای      | مرتضی | آورده | ترکاری | دوست    | همین  |
| م       | ر     | ا     | ع      | ت       | شاگرد |
| ن       | و     | ب     | تر     | س       | ده    |
| مراعات  | نوبت  | این   | موتور  | ایستاده | سوار  |

ایستگاه

ایستگاه

## مراعات نوبت

این ایستگاه است . این موتور در ایستگاه ایستاده

است . مراد هم در ایستگاه ایستاده است . مراد

که در موتور سوار میشود ، نوبت را مراعات

میکند . مراد هر وقت که در موتور سوار شود

نوبت را مراعات میکند .

مراعات کردن نوبت در هر کار خوب است .

مراد در هر کار نوبت را مراعات میکند .

|   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| م | ع | ل | م | گ | ر | ف | ت |
|---|---|---|---|---|---|---|---|

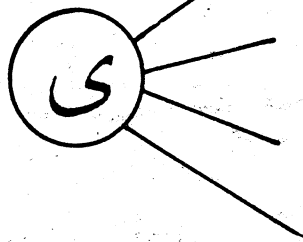
|   |   |
|---|---|
| ی | ا |
|---|---|

یحیای دهقان

مرتضای نجار

عیسای بوریاساز

لیلای معلم



یحیی - یحیا

مرتضی - مرتضا

عیسی - عیسا

لیلی - لایلا

یحیای دهقان گندم و جواری کشت میکند .

مرتضای نجار دروازه ، ارسی و میز اعلی میسازد .

عیسای بوریاساز بوریاهانی اعلی میسازد .

لیلای معلم ساختن صابون را به خواهر خود یاد داده

است . خواهر لیلی ساختن صابون را یاد گرفته

است .



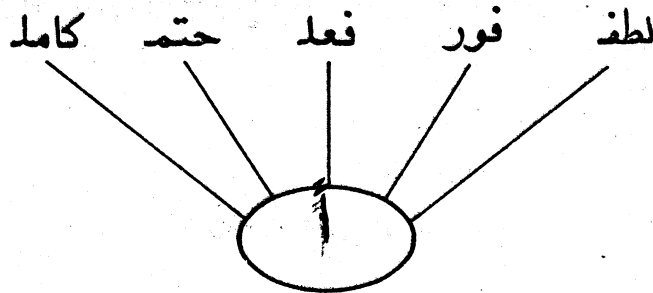
|            |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ا          | ل | ل | ه | ج | ل | ج | ل | ا | ل | ه | ی | گ | ا | ن | ه | ت | م | ا | م | ع | ا | ل | م | پ | ی | د | ا | ر | و | ز | ی |
| [Redacted] |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

|            |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| م          | س | ل | م | ا | ن | ا | س | ت | ی | م | ا | و | ا | م | ر | ب | د | ا | ن | د | ش | ن | ا | خ | ت | ن | گ | ر | ف | ت | ن |
| [Redacted] |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| [Redacted] |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

## الله جل جلاله

الله جل جلاله یگانه است . تمام عالم را پیدا کرده است . به تمام عالم روزی میدهد . ما مسلمان هستیم . مسلمان باید او امر الله جل جلاله را بداند . برای این کار به علم ضرورت است . علم ما را در شناختن الله جل جلاله و کردن کارهای خوب کمک میکند . خواندن و نوشتن در یاد گرفتن علم به ما کمک میکند .

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| گ | ل | د | ا | ر | ت | ک | ه | ب | د | و | ز | م | ت | ش | ک |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|



## تکه گلدار

اسما تکه گلدار خرید و آن را فوراً به  
 خانه آمنه برد. اسما به آمنه گفت: « لطفاً این  
 تکه را فوراً برای من کالا بدوز. » آمنه گفت: « فعلاً  
 زیاد کار دارم. فردا حتماً میدوزم، درست است؟ »  
 اسما گفت: « کاملاً درست است، تشکر .. »

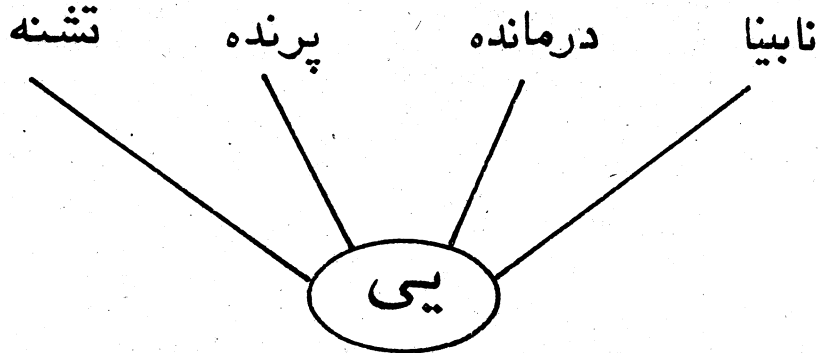
|   |    |           |      |      |      |       |      |     |       |      |
|---|----|-----------|------|------|------|-------|------|-----|-------|------|
| و | طن | اف        | غانس | تان  | مردم | ت     | ولد  | شده | باشیم | تنها |
| و | طن | افغانستان | مردم | تولد | شده  | باشیم | تنها |     |       |      |

|    |    |   |      |       |    |       |      |       |      |        |
|----|----|---|------|-------|----|-------|------|-------|------|--------|
| بل | که | آ | آباد | فایده | اش | میرسد | نقصش | داریم | دفاع | میکنیم |
| بل | که | آ | آباد | فایده | اش | میرسد | نقصش | داریم | دفاع | میکنیم |

## وطن

وطن ما افغانستان است . تمام مردم وطن با هم برادر و خواهرند . در هر جای که تولد شده باشیم ، تنها آن جای وطن ما نیست ، بل که تمام افغانستان وطن ماست . هر جای وطن که آباد شود فایده اش به تمام وطن میرسد و اگر هر جای آن خراب شود نقصش به تمام وطن میرسد . ما وطن خود را دوست داریم و از آن دفاع میکنیم .

|      |        |      |       |         |        |
|------|--------|------|-------|---------|--------|
| آزاد | میگیرد | تشنه | پرنده | درمانده | نابینا |
|------|--------|------|-------|---------|--------|



آدمی که دست . . . را میگیرد، یا . . .  
 را کمک میکند، یا . . . را آزاد میسازد،  
 و یا . . . را آب میدهد یا آدمی را اسود  
 یاد میدهد، کار ثواب میکند.

|      |      |     |     |    |      |   |    |        |
|------|------|-----|-----|----|------|---|----|--------|
| حضرت | محمد | رسا | نید | بت | پرست | ش | را | بخواری |
|------|------|-----|-----|----|------|---|----|--------|

|      |         |        |       |     |     |
|------|---------|--------|-------|-----|-----|
| قمار | پیغمبری | مبارزه | آخرین | مکه | خدا |
|------|---------|--------|-------|-----|-----|

## حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در شهر مکه تولد شده است . در آن وقت مردم بت پرست بودند . شرابخواری ، قماربازی و دیگر بدکاریها زیاد بود .

آنحضرت در زمان پیغمبری خود بر ضد این بدکاریها مبارزه کرد . حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در بیست و سه سال پیغمبری خود اوامر الله جل جلاله را به مردم رسانید . حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آخرین پیغمبر خداست .

جماعت عبادت بخوانند اتحاد اتفاق تشویق می فرمود

مسجد بروید بخوانید یکدیگر خبر می کرد مسلمانان

## نماز جماعت

نماز خواندن عبادت الله جل جلاله است . هر مسلمان باید نماز خود را در وقتش بخواند . خواندن نماز در جماعت ثواب زیاد دارد و مردم را از حال یکدیگر خبر میسازد . نماز جماعت در میان مسلمانان اتحاد و اتفاق را بار می آورد . حضرت پیغمبر مسلمانان را به خواندن نماز در جماعت تشویق میکرد و میفرمود : « به مسجد بروید و نماز خود را با جماعت بخوانید . »

|      |       |     |       |        |        |      |
|------|-------|-----|-------|--------|--------|------|
| نگاه | دندان | غذا | مسواک | نشوئیم | میخورد | ریزه |
| نگاه | دندان | غذا | مسواک | نشوئیم | میخورد | ریزه |

|        |         |     |
|--------|---------|-----|
| میماند | نمیباشد | سنت |
| میماند | نمیباشد | سنت |

|     |     |    |       |     |
|-----|-----|----|-------|-----|
| کرم | برس | پس | سوراخ | کرم |
|-----|-----|----|-------|-----|

## پاک نگاه کردن دندانها

اگر پس از خوردن غذا دندانهای خود را با برس یا مسواک پاک نشوئیم ، دندانهای ما را کرم میخورد . کرم دندان از ریزه های غذایی که در میان دندانها باقی میماند پیدا میشود .

کرم که دندان را سوراخ کرد آدم دندان درد میشود . اگر دندانهای خود را برس یا مسواک کنیم دندان درد نمیشوئیم . مسواک کردن سنت است و ثواب دارد .

|   |   |   |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| م | ل | ر | یا | ل | ر | ز | ه | م | ی | گ | و | ب | ی | ن | د | ت | و | س | ط | پ | ش | ه | س | ر | ا | ی | ت | خ | ن | د | ق |
|   |   |   |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ه | م | چ | ن | ا | ن | ج | ا | ی |
|   |   |   |   |   |   |   |   |   |

## تب ملاریا

تب ملاریا در هر جای کم یا زیاد پیدا میشود. این تب را تب لرزه هم میگویند. تب ملاریا توسط پشه ملاریا از یک آدم به آدم دیگر سرایت میکند. در جایی که آب ایستاده و خندق زیاد باشد، پشه ملاریا هم زیاد پیدا میشود. پس باید آبهای ایستاده و خندقها را خشک کنیم و همچنان خود را از پشه ملاریا نگاه کنیم.



|           |             |
|-----------|-------------|
| خانه ییست | خانه یی لست |
| رنده ییست | رنده یی لست |
| نابینایست | نابینای لست |

|            |              |
|------------|--------------|
| دهقانیست   | دهقاس لست    |
| دکانداريست | دکانداری لست |
| ز نیست     | زی لست       |
| میز نیست   | میزی لست     |
| درختیست    | درختی لست    |

مراد . . . که زیاد کار میکند .

احسان . . . که هرچیز را به نرخ روز میفروشد .

آمنه . . . که به زنان همسایه درس میدهد .

این . . . که کمال ساخته است .

در آن جا . . . که آمنه در آن زنده گی میکند .

دردست زمان . . . که با آن کار میکند .

پدر مراد . . . که باید به او کمک شود .

آن . . . که انار دارد .

|     |          |     |       |        |         |       |       |
|-----|----------|-----|-------|--------|---------|-------|-------|
| همه | بنده گان | نسب | رفتار | ندانند | زنده گی | داشته | مانند |
|-----|----------|-----|-------|--------|---------|-------|-------|

|      |      |            |      |      |      |      |      |
|------|------|------------|------|------|------|------|------|
| خاطر | ثروت | پرهیزگارتر | باشد | باشد | باشد | باشد | باشد |
|------|------|------------|------|------|------|------|------|

## برابری

اسلام دین برابری و برادریست . ما همه بنده گان خداستیم . هیچ کس به خاطر ثروت و نسب خود بر دیگری برتری ندارد . در دین اسلام کسی بر دیگری برتری دارد که پرهیزگارتر باشد ، علم زیادتر و رفتار خوب داشته باشد و به مردم خدمت کند .

مردم باید مانند برادران و خواهران با یکدیگر در صلح زنده گی کنند ، با هم دوست باشند و خود را از دیگری برتر ندانند .

|            |       |        |            |        |     |      |
|------------|-------|--------|------------|--------|-----|------|
| خواننده    | مکروب | بهترین | اطفال      | چرا که | قوی | سرفه |
| [Redacted] |       |        |            |        |     |      |
| ریزش       | اسهال | امراض  | [Redacted] |        |     |      |
| [Redacted] |       |        |            |        |     |      |

## شیر مادر

نظیفه کورس صحت طفل و مادر را خوانده است .  
نظیفه به زنان همسایه گفت : « بهترین غذا برای  
اطفال شیر مادر است ، چرا که هم تازه و قویست  
و هم مکروب ندارد . شیر مادر چیزهای مفیدی  
دارد که طفل را از سرفه ، ریزش ، اسهال و دیگر  
امراض نگاه میکند . مادری که شیر خود را به طفل  
میدهد برای صحت خودش و طفلش فایده دارد .  
وقتی که طفل تولد شد ، مادر باید فوراً او را شیر  
بدهد . »

|        |     |         |         |       |       |      |
|--------|-----|---------|---------|-------|-------|------|
| پایمال | ضرر | میرساند | بی آبرو | دشنام | مسخره | نسبت |
| پایمال | ضرر | میرساند | بی آبرو | دشنام | مسخره | نسبت |

|         |     |        |     |   |
|---------|-----|--------|-----|---|
| گناهکار | قسم | میداند | جزا | ز |
| گناهکار | قسم | میداند | جزا | ز |

|       |           |     |        |     |      |
|-------|-----------|-----|--------|-----|------|
| ناروا | دست درازی | پشت | بدگویی | ظلم | ظالم |
|-------|-----------|-----|--------|-----|------|

## ظلم نارواست

کسی که حق دیگران را پایمال میکند ، یا به دیگران ضرر میرساند ، یا به مال مردم دست درازی میکند ، یا مردم را بی آبرو میسازد ، یا به دیگری دشنام میدهد ، یا پشت سر او بدگویی میکند ، یا او را مسخره میکند ، ظالم و گناهکار است .  
 خداوند جلّ جلاله هر قسم ظلم را ناروا میداند و ظالم را جزا میدهد .

|   |    |      |    |        |      |    |      |      |      |       |
|---|----|------|----|--------|------|----|------|------|------|-------|
| ی | کی | نعمت | می | خواهند | زنده | گی | میان | آشتی | جهان | اسلام |
|---|----|------|----|--------|------|----|------|------|------|-------|

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|

## صلح

صلح یکی از نعمتهای کلان الله جلّ جلاله است.  
مردمان صلحدوست جنگ را خوش ندارند. آنها  
میخواهند که مردم برادر وار زنده‌گی کنند. صلح  
در میان مردم آشتی، دوستی و خوشی بار  
می‌آورد. اگر صلح نباشد، نه سر و مال مردم  
در امن می‌باشد و نه وطن آباد میشود.  
ما در خانه، در شهر، در وطن و در  
جهان به صلح ضرورت داریم.

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |       |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|-------|---|---|---|---|
| ن | ا | ر | و | ا | د | س | ت | د | ر | ا | ز | ی | گ | ن | ا     | ه | ک | ا | ر |
|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   | ناروا |   |   |   |   |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ر | ی | ز | ش | ا | س | ه | ا | ل | ز | ی | ا | د | ت | ر | ه | ی | چ | م | ی | م | ا | ن | د |
|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

|     |        |         |      |      |      |        |     |
|-----|--------|---------|------|------|------|--------|-----|
| شیر | خداوند | شیرمادر | ظالم | مادر | دوست | برابری | طشت |
|-----|--------|---------|------|------|------|--------|-----|

کمال از بازار . . . آورد .  
 اسلام دین . . . و برادر است .  
 مسلمانان باید با هم . . . باشند .  
 نظیفه کورس صحت طفل و . . . را خوانده است .  
 نظیفه به زنان همسایه دربارهٔ . . . معلومات داد .  
 وقتی طفل تولد شد مادر باید فوراً او را . . . بدهد .  
 کسی که بر دیگری ظلم میکند . . . است .  
 . . . هر قسم ظلم را ناروا میداند و ظالم را جزا میدهد .

ص ف ای ی ح ش ر ات ح وی لی آب پاشی خاک باد خاک جارو کثافات

کثافت دانی نیندازیم نشود نشویم مریض

## پاکی و صفایی خانه

برای این که مریض نشویم ، باید جای بودوباش خود را پاک نگاه کنیم . اگر جای بودوباش ما ناپاک باشد ، بوی بد ، حشرات و مکروب در آن پیدا میشود . در وقت جارو کردن خانه باید ارسیهها و دروازه ها را باز کنیم . باید حویلی را پیش از جارو کردن آبپاشی کنیم تا خاکباد نشود . خاکجارو و کثافات را باید در روی حویلی یا در راه نیندازیم ، بل که در کثافتدانی بیندازیم و یا زیر خاک کنیم .

|         |        |       |    |             |      |        |      |
|---------|--------|-------|----|-------------|------|--------|------|
| آموزختن | نفر    | نشست  | می | آموزختند    | وقتی | اسیران | جنگی |
| آموزش   | فرد    | نشستن | می | آموزش دادند | وقتی | اسیران | جنگی |
| نوشتن   | احترام | بدهد  | می | کنند        | شما  | چند    | گوشه |
| نوشتن   | احترام | بدهد  | می | کنند        | شما  | چند    | گوشه |

## علم

آموزختن علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است. روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم دید که چند نفر در یک گوشه مسجد عبادت میکنند و چند نفر در گوشه دیگر علم می آموزند. آنحضرت رفت و در میان آنهایی نشست که علم می آموزند.

وقتی در میان اسیران جنگی چند نفر با سواد بودند، پیغمبر آنها را احترام کرد و فرمود: «هر یک از شما که به مسلمانان خواندن و نوشتن را یاد بدهد آزاد میشود.»



|                                                        |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|--------------------------------------------------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خ                                                      | ط | ر | ن | ا | ف | ج | ا | ر | م | ی | ک | ش | د | م | ع | ی | و | ب | ب | ش | ن | ا | س | ی | م | ن | ز | ن | ی | م | ن | گ | ذ | ا | ر | ی | م |
| خطرناک بزئیم انفجار می کشد معیوب بشناسیم نزنیم نگذاریم |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

|                               |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|-------------------------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ع                             | ل | ا | م | ت | ب | ب | ی | ن | ی | م | ن | ر | و | ی | م | ب | ی | خ | ط | ر | ف | ت | ه |
| علامت ببینیم نرویم بیخطر رفته |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

|                                 |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |   |
|---------------------------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|---|
| م                               | ا | ی | ن | پ | ر | س | ا | ن | ر | م | ه | م | و | ت | ر | ک | را | چ |
| ماین پرسان روم مردم، موتر کراچی |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |   |

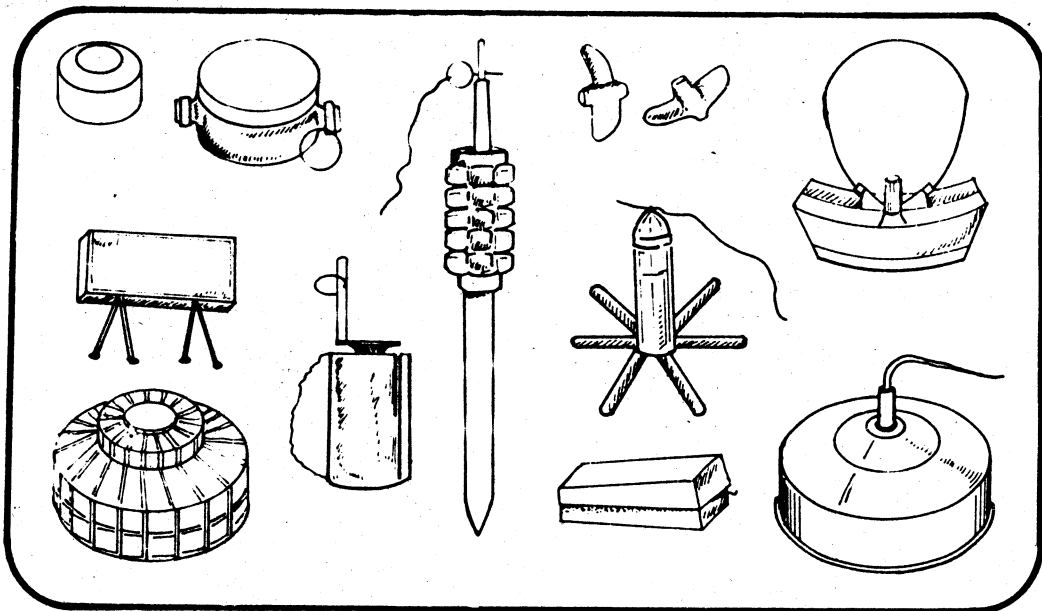
## خطر ماین

ماین یک چیز خطرناک است. اگر به آن دست بزئیم، یا آن را زیر پای کنیم انفجار میکند و آدم را میکشد یا معیوب میسازد.

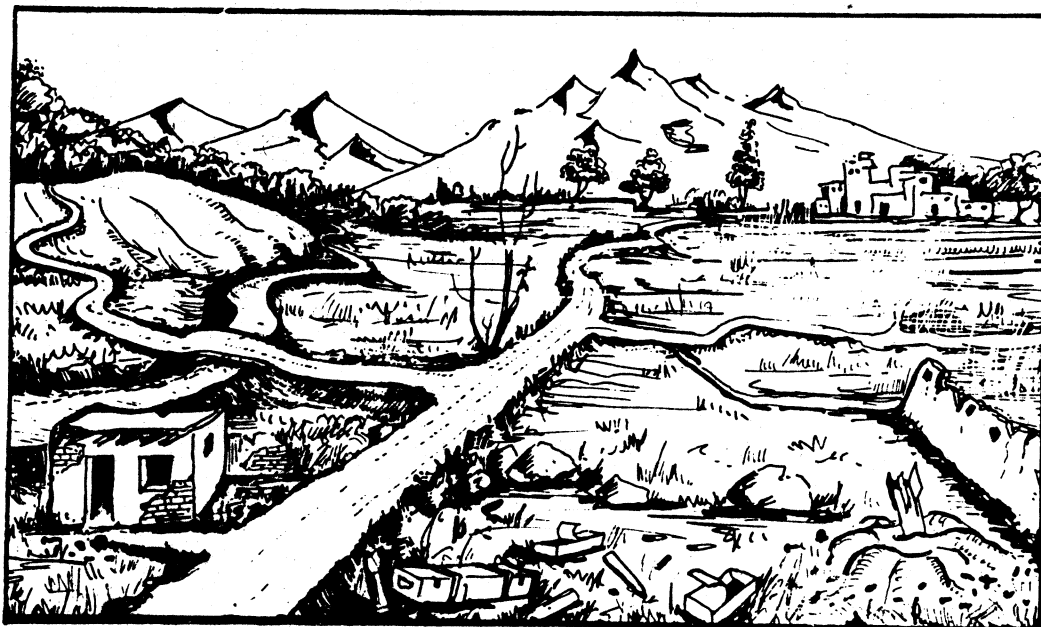
پس باید ماینها را بشناسیم، به چیزهای نا آشنا دست نزنیم و بر آنها پای نگذاریم. به جایی که علامت خطر ماین را ببینیم، نرویم؛ راه بیخطر را از مردم پرسان کنیم، بر راههایی برویم که مردم، روم، موتر، کراچی و دیگر چیزها رفته باشند.

## ماین در کجا پیدا میشود ؟

احسان در باره ماین معلومات زیاد دارد .  
مرتضی از او در باره جایهایی که ماین داشته  
باشد معلومات خواست . احسان گفت : « در  
هر جایی که جنگ شده باشد، مثل پوسته های  
نظامی ، قریه ها و خانه های خالی ، نزدیک  
دریاها و جویها ، پلها ، راهها و کوتله های ماینهای  
مختلف وجود خواهد داشت . » مرتضی از احسان  
تشکر کرد .



ماینهای مختلف را بشناسیم .



در این جایها ماین وجود خواهد داشت .

|   |     |        |   |       |          |
|---|-----|--------|---|-------|----------|
| و | دین | برابری | . | اسلام | برادریست |
|---|-----|--------|---|-------|----------|

اسلام دین برابری و برادریست .

|         |    |       |         |   |
|---------|----|-------|---------|---|
| بشناسیم | را | مختلف | ماینهای | . |
|---------|----|-------|---------|---|

|       |         |      |         |      |   |
|-------|---------|------|---------|------|---|
| اخصان | معلومات | ماین | در باره | دارد | . |
|-------|---------|------|---------|------|---|

|           |     |   |    |     |        |     |
|-----------|-----|---|----|-----|--------|-----|
| بود و باش | جای | . | را | خود | میکنیم | پاک |
|-----------|-----|---|----|-----|--------|-----|

- چی کنیم که مریض نشویم ؟
- تب ملاریا توسط چی پیدا میشود ؟
- صلح در میان مسلمانان چی بار می آورد ؟
- چرا باید ماینهای مختلف را بشناسیم ؟

# سواد

خدای مهربان را شکر بسیار  
 که از خواب گرانم کرد بیدار  
 به لطف خود توان خواندندم داد  
 ز قید بیسوادی گشتم آزاد  
 به نور علم چشمم کرد روشن  
 که روشن شد از آن جان و تن من  
 ز کوری بیسوادی کم نباشد  
 چون ناخوانی به عالم غم نباشد  
 خدا را شکر ، حالا میتوانم  
 که خط بنویسم وهم خط بخوانم

هزاران آفرین از من به استاد

که در دستم کلید علم و فن داد

الهام

|        |         |      |       |         |        |          |
|--------|---------|------|-------|---------|--------|----------|
| شکر    | بسیار   | خواب | گرانم | بیدار   | توان   | خواندندم |
| قید    | بیسوادی | گشتم | چشمم  | روشن    | جان    | تن       |
| کوری   | ناخوانی | غم   | حالا  | میتوانم | بنویسم | بخوانم   |
| هزاران | آفرین   | دستم | کلید  | فن      | الهام  |          |

# خواندن قرآن کریم ثواب دارد

|       |        |        |        |        |        |        |
|-------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| حق    | خطر    | ضرر    | خبر    | سبق    | قلم    | نسب    |
| حَقُّ | خَطَرٌ | ضَرَرٌ | خَبْرٌ | سَبْقٌ | قَلَمٌ | نَسَبٌ |

|           |           |           |         |          |             |         |
|-----------|-----------|-----------|---------|----------|-------------|---------|
| اسلام     | انصاف     | احسان     | صحت     | نعمت     | احترام      | لحاظ    |
| إِسْلَامٌ | إِنْصَافٌ | إِحْسَانٌ | صِحَّةٌ | نِعْمَةٌ | إِحْتِرَامٌ | لِحَاظٌ |

|           |         |         |           |           |         |            |
|-----------|---------|---------|-----------|-----------|---------|------------|
| استاد     | قرآن    | مفید    | مرتضی     | مصطفی     | مراد    | مراعات     |
| أَسْتَاذٌ | قُرْآنٌ | مُفِيدٌ | مُرْتَضَى | مُصْطَفَى | مُرَادٌ | مُرَاعَاةٌ |

|         |           |         |         |          |            |            |
|---------|-----------|---------|---------|----------|------------|------------|
| الله    | محمد      | سنت     | مکه     | ثریا     | اتحاد      | اتفاق      |
| اللَّهُ | مُحَمَّدٌ | سُنَّةٌ | مَكَّةُ | ثُرَيَّا | إِتِّحَادٌ | إِتِّفَاقٌ |

|       |         |          |          |         |         |         |
|-------|---------|----------|----------|---------|---------|---------|
| فوراً | فِعْلاً | كَامِلاً | تَمَاماً | حَثْمًا | مَثَلًا | أَصْلاً |
|-------|---------|----------|----------|---------|---------|---------|

|              |             |             |              |             |             |             |
|--------------|-------------|-------------|--------------|-------------|-------------|-------------|
| مِنْ سُنَّةٍ | مِنْ خَيْرٍ | مِنْ عَمَلٍ | مِنْ ذَرَّةٍ | مِنْ عِلْمٍ | مِنْ خَوْفٍ | مِنْ سَبَبٍ |
|--------------|-------------|-------------|--------------|-------------|-------------|-------------|

|        |         |         |         |           |         |         |
|--------|---------|---------|---------|-----------|---------|---------|
| خیر    | سنت     | ذره     | سمیع    | معلم      | حرام    | کریم    |
| خَيْرٌ | سُنَّةٌ | ذَرَّةٌ | سَمِيعٌ | مُعَلِّمٌ | حَرَامٌ | كَرِيمٌ |

|       |        |         |              |           |           |           |
|-------|--------|---------|--------------|-----------|-----------|-----------|
| آدم   | مالک   | کتاب    | اسماعیل      | اسحاق     | کلمات     | شیطان     |
| آدَمُ | مَلِكٌ | كِتَابٌ | إِسْمَاعِيلٌ | إِسْحَاقُ | كَلِمَاتٍ | شَيْطَانٌ |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ① الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ② مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ③  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ④ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑤  
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ⑥ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ① اللَّهُ الصَّمَدُ ② لَمْ يَلِدْ ③ وَ لَمْ يُولَدْ ④  
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ⑤

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ① وَسَلَامٌ  
عَلَى الْمُرْسَلِينَ ② وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ③

|                      |                       |                     |                   |                        |                     |
|----------------------|-----------------------|---------------------|-------------------|------------------------|---------------------|
| عَلَى الْمُرْسَلِينَ | رَبِّكَ               | تَعَالَى            | بِسْمِ اللَّهِ    | أَحَدٌ                 | كُفْوًا             |
| إِيَّاكَ             | الشَّمْسُ             | وَالْقَمَرُ         | الرَّحْمَنُ       | الرَّحِيمُ             | الْقُرْآنُ          |
| وَهَلْمٌ             | إِهْدِنَا             | مِنَ الشَّيْطَانِ   | عَمَّا            | الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | يَوْمِ الدِّينِ     |
| وَالضَّالِّينَ       | قُلْ                  | غَيْرِ الْمَغْضُوبِ | لَمْ يَلِدْ       | اللَّهُ الصَّمَدُ      | وَلَمْ يُولَدْ      |
| كُفْوًا أَحَدٌ       | أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ | يَصِفُونَ           | الْحَمْدُ لِلَّهِ | رَبِّ الْعِزَّةِ       | رَبِّ الْعَالَمِينَ |
| إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ | مَلِكٍ                | وَالْحَمْدُ لِلَّهِ | عَلَيْهِمْ        | إِيَّاكَ نَعْبُدُ      | سُبْحَانَ           |